



عنوان و نام پدیدآور: قهرمان ملی: کتابنامه توصیفی ۳۰ اثر درباره زندگی و شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی /
نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، معاونت توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی، اداره کل ترویج کتابخوانی و امور فرهنگی.
مشخصات نشر: تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۲-۲۲۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: کتابنامه توصیفی ۳۰ اثر درباره زندگی و شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی.

موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۳۵-۱۳۹۸ -- کتابشناسی

موضوع: Soleimani, Qasem -- Bibliography

شناسه افزوده: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اداره کل ترویج کتابخوانی و امور فرهنگی

شناسه افزوده: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره: Z۸۳۸۵

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۶۰۸۲۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قهرمان ملی

کتابنامه توصیفی ۳۰ اثر درباره زندگی و شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی

پدیدآور: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ معاونت توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی، اداره کل

ترویج کتابخوانی و امور فرهنگی | ناشر: کتاب نشر |

طراح گرافیک: علیرضا پوراکبری | صفحه‌آرایی: الهام شفیع |

سال چاپ: ۱۴۰۰ | نوبت چاپ: اول | تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: رایگان |

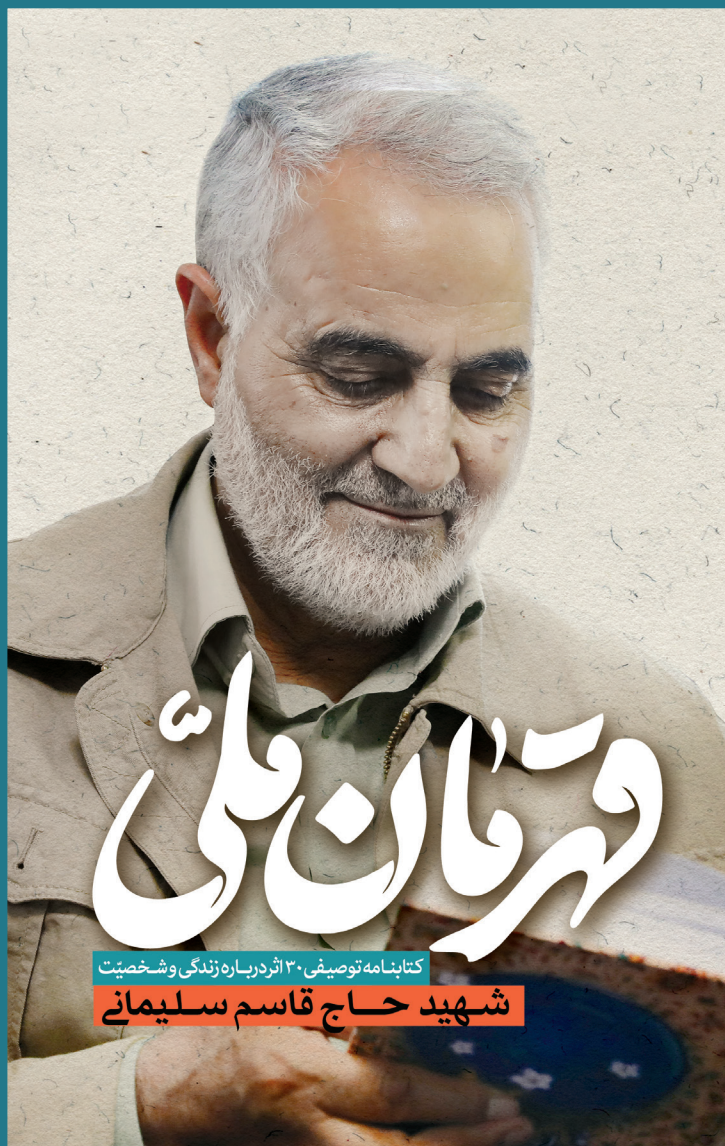
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۲-۲۲۳-۷ |

آشنایی: تهران، میدان ولیعصر، بلوار کشاورز، خیابان شهید کبکانیان، کوچه شهید طباطبائی رفیعی،

نیش کوچه شهید علی نوری، پلاک ۱۸ |

کد پستی: ۱۴۱۶۷۶۴۳۱۱ | صندوق پستی: ۶۱۸۱۱۴۱۵۵ | تلفن: ۰۲۱۸۸۹۵۱۴۹۳ |

ارایانامه: tarvij@iranpl.ir |



کتابنامه توصیفی ۳۰ اثر درباره زندگی و شخصیت

شهید حاج قاسم سلیمانی

■ زندگی‌نامه و خاطرات | ۹

- از چیزی نمی‌ترسیدم* (زندگی‌نامه خودنوشت) | ۱۰
این مرد پایان ندارد (زندگی جهادی سرباز اسلام شهید قاسم سلیمانی) | ۱۴
سلیمانی عزیز* (گذری بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی) | ۱۶
شاید پیش از اذان صبح | ۲۰
متولد مارس* (جستاری در خاطرات دوستان و هم‌زمان شهید حاج قاسم سلیمانی) | ۲۲

■ زندگی‌نامه داستانی | ۲۷

- آرتین* | ۲۸
حاج قاسم سلام (سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به روایت حمیدرضا فراهانی) | ۳۲
خیلی دور؛ ولی نزدیک | ۳۴
من قاسم سلیمانی‌ام (مجموعه پنج نمایشنامه کوتاه) | ۳۶

■ زندگی‌نامه و خاطرات همراه با تحلیل | ۴۱

- آیت حق | ۴۲
پرواز بغداد - بهشت* | ۴۴
ترور هدفمند (تبیین و بررسی ابعاد سیاسی، حقوق رسانه‌ای ترور سردار شهید قاسم سلیمانی) | ۴۸
حاج قاسم* (حکایت هفتم از مجموعه سَر دلبران) | ۵۲
سردار مقاومت و سرباز ولایت | ۵۴

■ مکتب حاج قاسم | ۵۷

- برادر قاسم؛ جستاری در اندیشه‌های راهبردی شهید حاج قاسم سلیمانی در حوزه ولایت، انقلاب، دفاع مقدس، شهادت، مدافعان حرم و فرهنگ و هنر | ۵۸
سلوک در مکتب سلیمانی | ۶۲
شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی* | ۶۴
مالک زمان* | ۶۸
مدرسه درس آموز حاج قاسم | ۷۰
فصل‌نامه مدیریت جهادی شماره ۴ و ۵: پرونده ویژه مکتب حاج قاسم | ۷۲

■ آثار هنری | ۷۷

عقیق سلیمانی* | ۷۸

عقیق سلیمانی* (مجموعه برترین اشعار سروده شده شاعران ایران اسلامی در رثای شهید

سپهبد قاسم سلیمانی) | ۸۰

سلیمان عشق (عرض ارادت شاعرانه به سرباز شهید قاسم سلیمانی) | ۸۲

ققنوس قدس* (مجموعه اشعاری درباره سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی) | ۸۴

■ کودک و نوجوان | ۸۷

سربازنامه* | ۸۸

شهید سلیمانی | ۹۲

عمو قاسم* | ۹۴

ما با تو سربلندیم* | ۹۶

من قاسم سلیمانی هستم | ۹۸

من یک حاج قاسم | ۱۰۰

بسم ربّ الشهدا

سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم. هر چیزی که یاد شهید عزیز ما را برجسته کند، چشم نواز و دلنواز است. یاد او را اگر چه خداوند در اوج برجستگی قرار داد و بدین گونه پاداش دنیائی اخلاص و عمل صالح او را بدو هدیه کرد، ولی ما هم هر کدام وظیفه‌ای داریم.

شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی و معنوی و انقلابی و ارزش‌های خودش را در او متبلور و مجسم دید.

او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود.

اهل معنویت، اخلاص، آخرت‌جویی بود و اهل تظاهر نبود.

روحیه فداکاری و نوع دوستی داشت، برایش این ملت و آن ملت و مانند این‌ها مطرح نبود؛ نوع دوست بود، واقعاً برای همه حالت فداکاری داشت.

دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود؛

در جهاد اکبر پیروز بود و به همین جهت در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن و نه از تحمل زحمت.

این شهید عزیز ما، هم دل و جگر داشت و به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ هم با تدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود.

یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، در عین حال بشدّت مراقب حدود شرعی بود.

مراقب بود که به کسی تعدّی و ظلم نشود.

به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد.

در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدّت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ ذوب در انقلاب بود. پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه).

به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه

نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند. در حرکت جهادی خود چنان ایمان را با عمل صالح همراه کرد که حتی دشمنانش او را تحسین می‌کنند!

قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد. شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید. شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش. بنده قلباً و زبناً او را تحسین می‌کردم، اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم.^۱ این سخنان، تنها بخشی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در رثای شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی است، که ابعاد گسترده و عظیم شخصیت نظامی، سیاسی و معنوی این شهید عزیز را نمایان می‌کند.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در پی رسالت فرهنگی خود برای آشنایی مخاطبان با کتاب‌های خواندنی و نیز وظیفه انقلابی خود برای معرفی نگهبانان مرزهای اعتقادی و انقلابی، این مجموعه را که شامل آثار برگزینش شده درباره شهید سرافراز اسلام و قرآن، حاج قاسم سلیمانی است تقدیم می‌کند. در معرفی این مجموعه کوشیده‌ایم نشان دهیم، وجوه اهمیت شخصیت این شهید در نگاه رهبر فرزانه انقلاب، چیست. توجه به گروه‌های مختلف سنی، جذابیت متن، کتاب‌سازی مناسب، تنوع موضوع و قالب آثار، از دیگر شاخصه‌هایی بود که در گزینش کتاب‌ها به آن دقت شده است. با وجود دقت در گزینش آثار این مجموعه، کتاب‌هایی که در فهرست با علامت (*) مشخص شده‌اند، نسبت به دیگر آثار، در بررسی‌های کارشناسی، امتیاز بالاتری کسب کرده‌اند و از اولویت بیشتری برای مطالعه برخوردارند.

۱. برگرفته از سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به نشانی: (KHAMENEI.IR) (۴۰ جمله از رهبر انقلاب درباره «سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی» منتشر شده در ۱۳ دی ۹۹)



الهی لا تُکفنی
فداوند را فرابپذیر
فداوند را عاشق دیدارتم
همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس سپیدن نمود
فداوند را فرابپذیر

زندگی نامه و خاطرات



از چیزی نمی‌ترسیدم؛*

زندگی‌نامه خودنوشت

ناشر: مکتب حاج قاسم / تعداد صفحات: ۱۳۶



تا کنون کتاب‌های متعددی با موضوع شهید سلیمانی نوشته شده است؛ زندگی‌نامه، خاطرات، آلبوم تصویر و دل‌نویسته، تعداد محدودی کتاب‌های تخصصی با نگاه به مسائل نظامی، سیاسی و... اما در این بین زندگی‌نامه خودنوشت سردار رنگ و بوی دیگری دارد و از دقت بیشتری در بیان واقعیت‌های زندگی آن شهید بزرگوار برخوردار است.

فرازهایی از زندگی شهید سلیمانی از کودکی تا دوران جوانی و واقعیت‌هایی از زندگی ایشان که تا کنون بیان نشده، با همان صداقت و شیرینی زبان خودشان. سادگی و جذابیت خاص این اثر، جان‌خواننده را روشن می‌کند و جلوه‌هایی بدیع از زندگی سردار شهید را به نمایش می‌گذارد.

این کتاب شرح زندگی مرد ساده‌ای است که از دل روستایی دور افتاده در کرمان به جایگاهی رسید به بلندای وسعت آسمان‌ها. روایت‌هایی که در کتاب ارائه می‌شود پُر از جزئیات ارزشمند و سرشار از تصاویر دقیق ذهنی، با زبانی صمیمی و دلنشین است. در جای جای خطوط این زندگی‌نامه با کلمات و اصطلاحات بومی مواجه می‌شویم که خاص منطقه مادری سردار است و در پاورقی نیز در مورد آن توضیح داده می‌شود. عنوان این کتاب نیز که از اوصاف بارز شهید سلیمانی است برگرفته از یک اتفاق است که شرح آن در کتاب آمده.

این روزنوشت‌ها که از دوران کودکی و نوجوانی به آستانه سال‌های جوانی می‌رسد

همراه با خود گوشه‌هایی از تاریخ معاصر را نیز روایت می‌کند. روزهای مدرسه، مقاطع ترک تحصیل، کار کردن در دوران نوجوانی برای پرداخت قرض پدر، روزهای جوانی و مبارزه آشکار با رژیم پهلوی و اتفاقات دیگر که همه‌گی تا دوران پیش از انقلاب اسلامی را شرح می‌دهد در این کتاب آمده است.

در لا به لای حروف و واژگان این کتاب می‌توان تصاویر شفاف و روشنی از حیات پُر برکت سردار سلیمانی را مشاهده نمود. خاطرات روزهای حساس زندگی و برهه‌های خاصی از زندگی، چشیدن طعم فقری آبرومندانه، همراهی بی دریغ با اهل خانه و خانواده و روحیه آرمان خواهی و ظلم ستیزی. متن این زندگی‌نامه به شیوه هنرمندانه‌ای به نگارش درآمده و جنبه‌های داستانی آن به قدری پُررنگ و جذاب است که خواننده را لحظه به لحظه تشنه‌تر می‌سازد. در بخش انتهایی کتاب نیز می‌توان دست‌نویس این زندگی‌نامه را مشاهده کرد.

● یادداشت مقام معظم رهبری بر این کتاب:

«بسمه تعالی - هر چیز که یاد شهید عزیز ما را برجسته کند، چشم‌نواز و دلنواز است. یاد او را اگرچه خداوند در اوج برجستگی قرار داد و بدین‌گونه پاداش دنیائی اخلاص و عمل صالح او را بدو هدیه کرد، ما هم هر کدام وظیفه‌ئی داریم. کتاب حاضر را هنوز نخوانده‌ام اما ظاهراً می‌تواند گامی در این راه باشد.»

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

جد مادری من حاج عبدالخالق، با اسب و الاغ از همین جا تا مکه رفته بود و یک سال تمام سفر او طول کشیده بود. بعضی سال ها هم که خیلی سخت بود و گرسنگی خیلی ها را به تنگ می آورد، به خوردن سبزی های وحشی رو می آوردند. در همسایگی ما خانه ای بود که آه در بساط نداشت. مادرم که نان می پخت، بچه های او می ایستادند به تماشا. هنوز ایستادن آن دو دختر در ذهنم مجسم است. مادرم چند دسته نان به آن ها می داد و این عمل هر روز تکرار می شد. بعضی وقت ها برادرم، حسین، ناراحت می شد و آن ها را دعوا می کرد؛ اما گرسنگی باعث می شد تکان نخورند تا دسته های نان را دریافت کنند!

تعطیلی مدرسه و دریافت کارنامه قبولی ۱۳ برایم اهمیت نداشت. آنچه مهم بود ترکه های خوابیده در جوب آب بود. هر صبح که چشممان به این می افتاد که یک بغل ترکه بید داخل جوب خوابانده شده، رعشه بر انداممان می انداخت.

یک روز صبح، مدیر مرا از صف بیرون کشید، گفت پشت دست هایم را نشان بدهم. دادم. شروع کرد به زدن با ترکه خیسانده در جوی آب. پدرم که بر آفتاب نشسته بود، صدای گریه مرا شنید. فاصله مدرسه تا خانه ما چهل قدم بود. صدا زد: «آقای مدیر، این پوستش سیاه است، چرا او را می زنی؟ هر چی بزنی سفید نمی شود!»

آن وقت، مدرسه ما پسرانه و دخترانه مشترک بود. خواهرم آذر و برادرم حسین هم با من بودند. وقتی معلّم، ما را کتک می زد، خواهرم که خیلی شجاع بود، با چوب کوجولویی به معلّم حمله می کرد و با گریه به او فحش می داد و می گفت: «چرا برادر ما را می زنی؟!»

روزگار سختی بود. آن سال ها زمستان های سرد و پربرفی بود. پدرم یک جفت چکمه لاستیکی مخصوص زمستان گرفته بود؛ اما برف از کمر من هم بالاتر بود و چکمه هیچ علاجی نمی کرد. ضمن اینکه چون لاستیک بود بر شدّت سرما می افزود...

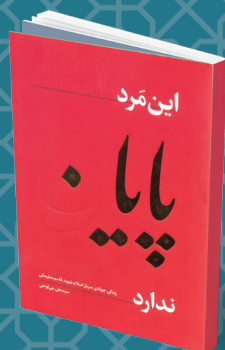


این مرد پایان ندارد؛

زندگی جهادی سرباز اسلام شهید قاسم سلیمانی

پدیدآور: سیدعلی بنی‌لوحی / ناشر: راه بهشت

تعداد صفحات: ۲۵۴



این مرد پایان ندارد کتابیست با ترکیب متن و تصویررنگی، روایتی مستند که مخاطب علاوه بر مشاهده برخی تصاویر منتشر نشده از حاج قاسم، خاطراتی را می‌خواند که بعضاً برای اولین بار منتشر شده‌اند. گردآوری و تدوین مطالب از آغاز تا پایان به گونه‌ای است که خواننده را با سبک و مکتب و زندگی جهادی شهید سلیمانی بیشتر آشنا می‌کند.

نویسنده در نگارش و تدوین مطالب و خاطرات، ترتیب تاریخی آن‌ها را رعایت کرده و خواننده با مطالعه کتاب با راوی در گذر زمان همراه می‌شود.

بنی‌لوحی نویسنده کتاب، خود از رزمندگان دوران دفاع مقدس بوده که معتقد است بزرگترین خوشبختی زندگی‌اش این بوده که او را در صحنه جهاد و شهادت راه داده‌اند، هر چند دست خالی و مانده از راه بازگشته است. ایشان بعد از دفاع مقدس به فعالیت‌های فرهنگی مشغول است که نتیجه تلاش او تدوین و تألیف بیش از ۲۰ جلد کتاب با موضوع دفاع مقدس و انقلاب اسلامی است و او هم چنان در رزم است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

گفتم: آقا مهدی، این جنگ طولانی است، پاتک‌های دشمن متوالی است، توبیا برو عقب، برو منزلتان را یاد کن، جان‌شینت باشد، بعد او برمی‌گردد، تو برو جای او. تو برگرد، او برود مرخصی. یک نگاه کرد به من، خندید.

- می دانی چه می گویی؟ بله. توبه من می گویی وسط پاتک دشمن بروم مرخصی؟! من می دانم تو برای چه این را به من می گویی. به خاطر بچه ام می گویی؟ او یک امانت بود، خدا به من داده بود. من پیغام دادم بچه را دفن کنید، راننده را هم آزاد کنید. همین برادر را که در عملیات کربلای ۵ شهید شد. روز پاسدار من جمع کردم پاسداران لشکر ثارالله را. توی ذهنم بود از این برادر پاسدار مهدی زندی تجلیل کنم، و چند پاسدار دیگر. روز پاسدار هم بود. خیلی کار عبثی بود، تا حالا خجالت آن کار رو دارم.

نگاه کردم آخر مجلس، دیدم مهدی همان آخر؛ دم در نشسته، یک چفیه سفیدی دور سرش پیچیده بود، این دستش زیر چانه اش بود و حرف های من را گوش می داد. وقتی گفتیم می خواهیم پاسدار نمونه را معرفی کنیم، همه بغض کردند که چه کسی پاسدار نمونه است. او هم گوش می داد. نمی دانست چه خبر است. وقتی که آن بالا نامش را به عنوان پاسدار نمونه بردم و گفتم «مهدی زندی»، من احساس کردم او دارد در زمین ذوب می شود؛ ذوب می شود!

مثل ابر بهار گریه می کرد. زیر شانه هایش را گرفتم، آمد بالای سکو به سمت من. وقتی می خواست آن سکه تجلیل از خودش را بگیرد، نگاه کرد به صورت من، در حالی که اشک می ریخت، گفت: به من ظلم کردی.

من این نگاه را هرگز فراموش نمی کنم در عمرم. شرمم هیچ وقت و در هیچ گناهی به این اندازه نبود.

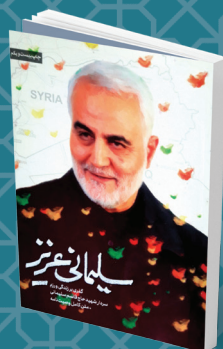


سلیمانی عزیز*

گذری بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

پدیدآوران: عالمه طهماسبی، لیلا موسوی، مهدی قربانی

ناشر: حماسه یاران / تعداد صفحات: ۲۵۵



مکتب حاج قاسم سلیمانی ابعاد مختلفی دارد، از زندگی شخصی و خانوادگی گرفته، تا رابطه با مردم و زندگی کاری (شامل شرایط رزمی و اداری و...)، همچنین از ساحت‌های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و... نیز برخوردار است. این اثر با خاطرات کوتاه و جذاب خود توانسته به قدر بضاعتش، مخاطب را با مکتب حاج قاسم سلیمانی آشنا نماید. انسان با خواندن این اثر تا حدی متوجه می‌شود که چرا شهادت حاج قاسم این قدر عالم را دگرگون کرد، چنانچه خود حاج قاسم که غلونیست اگر بگوییم مالک اشتر زمان بود، درباره شهادت آن یار با وفا، شجاع و با صلابت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مرگ مالک عالمی را دگرگون کرد، عالم علی و دوست‌داران علی را گریاند و عالم معاویه و یارانش را شاد کرد.

بیش از دویست خاطره کوتاه و روان از برهه‌های مختلف تاریخ زندگی این مجاهد راه خدا در این اثر گردآوری شده است. همین کوتاه بودن و روان بودن و متنوع بودن موضوعات این خاطرات باعث شده تا این اثر تبدیل به یکی از خوش‌خوان‌ترین آثار درباره حاج قاسم سلیمانی با رویکرد ذکر خاطرات گردد.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

توی فرودگاه دوروبر حاجی شلوغ بود. با همه روبوسی و حال احوال می کرد. نگران شدم. قبل از اینکه برسیم پای هواپیما، همراه شدیم. توی اتوبوس هردو از یک میله گرفتیم. دستش را فشار دادم و گفتم: «حاجی! مواظب باش، یه وقت خدایی نکرده یکی چاقویی داره، اتفاقی می افته برات...» گفتم: «این مردم خیلی عزیز هستند.» بعد با لحن شوخی گفتم: «تو که از شهادت نمی ترسیدی!» قیافه حق به جانب گرفتم و گفتم: «حاجی من نگفتم از شهادت می ترسم. صدتا مثل من فدای شما بشه. شما الان امید بچه یتیم ها هستید. شما الان امید بچه های مظلوم فلسطین و سوریه و عراق و یمن هستید.» خندید و گفت: «نه، گاهی اوقات شهادت تأثیرش از موندن بیشتره!»

● در بخش دیگری از کتاب می خوانیم:

دست تنگ بودند و درآمد درست و حسابی نداشتند؛ آن وقت ها هم که مثل حالا فرهنگ خرما خواری نبود که از فروش محصول بتوانند زندگی راحتی داشته باشند. وسوسه های اشرار خامشان می کرد و در قبال پول، می شدند کارچاق کن آنها. حاجی بیکار نماند، نشست و فکر کرد چطوری می شود جلوی در دام افتادن جوان های عشایر را بگیرد. اکثر این جوان ها، سرباز فراری بودند، چون کارت پایان

خدمت نداشتند، دستشان جایی بند نمی‌شد، از بیکاری می‌رفتند سمت اشرار؛ قرار شد فراری‌ها بیایند و لباس سربازی بپوشند، اما توی منطقه خودشان خدمت کنند، تازه حقوق هم بگیرند. خب عده زیادی از این‌ها زن و بچه داشتند، این شرایط به نفعشان بود، کنار زن و زندگی‌شان خدمت می‌کردند، درآمد هم داشتند و بعد هم که کارت پایان خدمت می‌گرفتند و با آن می‌توانستند گواهینامه رانندگی بگیرند، یا بروند جایی استخدام شوند، یا پروانه کسب بگیرند و یک کار حلال آبرودار دست و پا کنند. خیلی از همین سربازهای عشایر که سواد بیشتری داشتند، با پیگیری‌های حاجی، جذب نیروی انتظامی هم شدند.

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

صدام با رژیم بعثش به خط پایان رسیده بود. از آن طرف آمریکایی‌ها سعی داشتند صدام را که موی دماغشان شده بود را از میان بردارند. از این طرف مجاهدان عراقی برای صلاح و مشورت آمده بودند سراغ حاجی. یکی از عراقی‌ها گفت: «صدام قاتل شهدای ماست، حالا که آمریکایی‌ها وارد عراق شدن و می‌خوان صدام رو از بین ببرن آیا ما باهاشون همراه بشیم؟» خون حاجی به جوش آمد و گفت: «دشمنی ما با صدام معنایش این نیست که با آمریکایی‌ها دوست هستیم و براین دست توی دست‌شان بزاریم و برای نابودی

صدام با آنها همراهی کنید و...»
توی آن جلسه نطق کوبنده‌ای کرد، نطقی که جایی برای هم‌پیمانی و دوستی با
آمریکایی‌ها نگذاشت، طرف از حرفی که زده بود شرمنده شد.

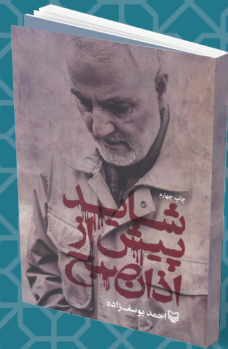
● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

فرقی نداشت توی پایگاه‌های عراق باشد یا سوریه یا لبنان. شب به شب با پدر
و مادرش تماس می‌گرفت و از پشت تلفن حال و احوالشان را می‌پرسید. هر بار که
زنگ می‌زد، سیم‌کارتش را عوض می‌کرد، حواسش به امنیت قضیه هم بود که
کسی نتواند ردش را بزند و تماس‌هایش را کنترل کند... پدر و مادر پیرش هم به
همین صدایی که می‌دانستند فرسنگ‌ها ازشان دورتر است دلخوش می‌شدند و در
حقیقت دعا می‌کردند.



شاید پیش از اذان صبح

پدیدآور: احمد یوسف زاده / ناشر: سوره مهر
تعداد صفحات: ۱۷۰



گفت وگویی دوستانه و برادرانه که نویسنده با حاج قاسم دارد خاطرات و وقایعی را که سردار حاج قاسم در آن نقش داشته است را با او مرور می‌کند.

مخاطب حاج قاسم است که نویسنده با او سخن می‌گوید و خواننده با خواندن روایت‌ها، با شیوه سلوک، زندگی و فرماندهی شهید سلیمانی آشنا می‌شود.

این اثر با قلمی شیرین و روان نگاشته شده است که مخاطب با خواندن این اثر می‌تواند به تصویری نسبتاً روشن از شهید سلیمانی در عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و حتی اجتماعی برسد.

بخشی از دلنوشته‌های نویسنده درباره این شهید بزرگوار به صورت خاطره بیان شده است که به قبل از شهادت سردار سلیمانی مربوط می‌شود. در واقع این اثر را می‌توان از آثار دیگر نویسنده، که اغلب داستانی است، متفاوت دانست. این کتاب شامل ۴۰ دلنوشته است که در وصف سردار سلیمانی به رشته تحریر درآمده و نویسنده آن را ادای دین به ایشان می‌داند. عنوان کتاب نیز رمز و رازی را در دل خود دارد که مخاطب با مطالعه کتاب به آن پی خواهد بود. از دیگر آثار نویسنده «آن بیست و سه نفر» و «اردوگاه اطفال» است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

گفتم حاجی دقت کرده‌ای پرچم داعش که شما در مقابلش سینه سپر کرده‌ای،

نام خدا و پیامبر خدا نقش بسته است؟ پرسید در بطلان اندیشه داعش شک داری؟ گفتیم نه، ولی در حیرتم که چرا از اسلام چنین فرزندان ناقص و عجیب الخلقه‌ای متولد می‌شود و ادامه دادم شاید جنگیدن با داعش پرداختن به معلول باشد و بهتر نیست فکری برای این کنیم که فرزند ناخلف دیگری از این مادر زاده نشود. جواب داد: این کار شما دانشگاهیان و حوزویان است که ببینید چه می‌شود کرد. من سربازم، تئوریسین و سیاستمدار نیستم. ضجه زنان و کودکان و سالمندان را نمی‌توانم تحمل کنم، التماس کودکان و دختران بی پناه مرا به میدان می‌کشد و اندکی از جنایت‌های فجیع و گفته نشده داعش را گفت... هنوز صدایش در گوشم هست که من سربازم...

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

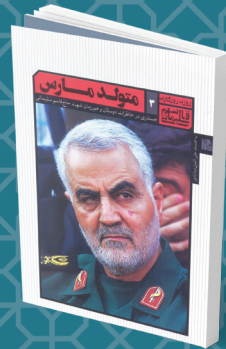
... چه کسی باور می‌کند که باراک اوباما هم نمی‌توانست بزرگی‌ات را نادیده بگیرد. خبری پخش شده بود که اوباما جایی از شما تعریف کرده و گفته کاش من ژنرالی مثل سلیمانی داشتم. هم‌رزم، محمد حسین کریمیان، یک روز به صرافت افتاده و از خودت پرسیده بود: «حاجی جریان اوباما و حرفی که در مورد شما زده چیه؟» شما اصل ماجرا را گفته بودید: «سید حسین شهرستانی، وزیر نفت عراق، همراه با نخست‌وزیر عراق رفته‌بودن پیش اوباما رئیس‌جمهور امریکا. اوباما به اونا گفته بود قاسم سلیمانی دشمن ماست ولی من برای او احترام خاصی قائلم.»



متولد مارس*

جستاری در خاطرات دوستان و هم‌زمان شهید حاج قاسم سلیمانی

پدیدآور: علی اکبری مزدآبادی / ناشر: نشر یازهر النهضه
تعداد صفحات: ۲۰۰



کتاب «متولد مارس» خاطرات دوستان، هم‌زمان و نزدیکان حاج قاسم سلیمانی از خلق و خوی این شهید بزرگوار و روایت‌هایی از تحولات سوریه، عراق تا شهادت ایشان است که به صورت مصاحبه جمع‌آوری شده. در مقدمه کتاب آمده است: «مارس را هم روح «جنگ» دانسته‌اند و هم روح «محافظ صلح». «مارس» نماینده همه باورهای آدمیان کهن بود درباره «جنگ و صلح». محبوب‌ترین و نام‌آورترین نظامیان تاریخ، آنانی بوده‌اند که برای «صلح» شمشیر می‌زدند؛ و حاج قاسم سلیمانی، در ماه «مارس» متولد شد. «متولد مارس» در سه فصل نوشته شده که فصل اول، مبارزات در سوریه، گردآوری خاطراتی از شخصیت‌هایی برجسته همچون سید حسن نصرالله، حسین امیرعبداللهیان، امیر اسداللهی، عبدالله عراقی و چند تن از محافظان او و فصل دوم، روایت‌های بکر، از دیدارهای خاص؛ مانند دیدار سردار با رهبر معظم انقلاب و حضورشان در مراسم نامزدی یک فرزند شهید، خواب سید حسن نصرالله برای قبض روح سردار سلیمانی و عکس دسته‌جمعی با پرستاران بیمارستان و... است.

حتماً این صحبت سردار را شنیده‌اید: «شهدا پیش از این‌که شهید شوند، شهید بوده‌اند». فصل آخرین کتاب به همین پرداخته که سپهد قاسم

سلیمانی، مانند تمام هم‌رزمانش، شهید بود، پیش از آن‌که به شهادت برسد. همچنین به منظور ارتباط بهتر مخاطب با مطالب، تصاویر متنوع و عکس‌های جدید و دیده‌نشده از سردار و هم‌رزمانش به صورت رنگی و با کیفیت بالا، ضمیمه متن شده است.

با مطالعه این کتاب با ابعاد پنهانی شخصیتی آشنا می‌شوید که در مواجهه با مردم عادی و غیرنظامی به گونه‌ای برخورد می‌کند که کسی باور ندارد، در برابر او مردی ایستاده که در برون مرزها فرمانده بزرگ و خستگی‌ناپذیری است که با حضوری وسیع، عملیات‌های حساس و مهم جهان را رهبری می‌کند. کسی که چهل سال در معرکه جنگ با لباس رزم، فقط جنگیده و بذل صلح را در نقاط مختلف دنیا کاشته است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

استراتژیست تمام عیار

بعد از حمله‌ی ناموفق داعش به سامرا جهت اشغال این شهر و عملیاتی که با حضور مستقیم حاج قاسم انجام شد و مانع توفیق داعش شد، من ایشان را در سوریه ملاقات کردم. طی جلسه‌ای حاج قاسم گزارش عملیات و اتفاقات آن را

تشریح کرد. وقتی از ایشان سؤال کردیم حالا چه پیش خواهد آمد و چه می شود؟ حاج قاسم جواب داد: «سه سال طول خواهد کشید تا داعش را نابود کنیم. سه سال زمان نیاز داریم.» حاجی این را در حالی به ما گفت که هیچ سیستم ستادی این تحلیل را به او ارائه نداده و فقط نظر شخص خودش بود که درست هم از آب درآمد. سه سال و نیم بعد بود که حاج قاسم آن نامه معروف را به رهبرانقلاب داد و خبر از نابودی داعش داد.

یا به عنوان نمونه ای دیگر، بعد از استقرار آمریکایی ها در جزیره، حاجی تحلیل جدیدی ارائه داد. آمریکایی ها در منطقه «تنف» در جنوبی ترین منطقه ی مرز بین عراق و سوریه حضور داشتند. در جزیره هم که بودند. فاصله بین این دو منطقه یک مسافت دویست سیصد کیلومتری بود. نظر حاج قاسم این بود که آن ها می خواهند این دو نقطه را به هم متصل کنند و با استقرار نیروهایشان در این منطقه، بین سوریه و عراق حائل ایجاد کنند.

حاج قاسم تصمیم گرفت مانع این امر شود و گفت: «ما باید به سرعت خودمان را به مرز عراق برسانیم.» این اتفاق افتاد و نیروهای ما در عرض کمتر از دوماه با گرفتن دیرالزور و میادین، خودشان را به بوکمال رساندند و آن منطقه را از دست آمریکایی ها خارج کردند. این حرکت به قدری برای آمریکایی ها سنگین درآمد که هنوز هم از

این که نتوانستند به موقع عمل کنند، عصبانی و ناراحت هستند و مانند خاری در گلویشان مانده است.

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

به ایشان گفتم...: «این مملکت و حضرت آقا حالا حالاها به شما نیاز دارد. جریان مقاومت به شما نیاز دارد.» گفت: «نه! الآن شهادت من تأثیرگذار است. اثری که الآن خون من دارد، به خصوص بین جوانان، در آینده نخواهد داشت. حتماً برای من دعا کن که زودتر شهید شوم.» همیشه هم می‌گفت: «إن شاء الله من در راه خدا ارباً ارباً شوم.»

اردیبهشت سال ۹۷ گزارشی از انواع تهدیدات آمریکا، اسرائیل و منافقین که قصد کشتن ایشان را داشتند تهیه و تقدیم ایشان گردید. گزارش را که خواند، زیر آن نوشت: «از خدا می‌خواهم من را به دست شقی‌ترین دشمنان اسلام به شهادت برساند.»



زرنک فردی نیست که به دنبال مال جمع کردن و گول زدن مردم است.
زرنک و باذکات شخصی است که فرصت‌ها را برای مجاهده و شهادت
در راه خدا به دست می‌آورد.

زندگی‌نامه داستانی

پدیده‌آور: بهزاد دانشگر / ناشر: ستارگان درخشان
تعداد صفحات: ۱۱۰

آورتین*



نام این کتاب برگرفته از منطقه‌ای در حد فاصل استان کرمان و استان سیستان و بلوچستان است، روستایی دورافتاده که یادآور حماسه ایستادگی و مبارزه حاج قاسم در برابر اشراک است.

آورتین یکی از بهترین رمان‌ها در خصوص حاج قاسم است (اگر نگوییم بهترین)، از حیث جذابیت به قدری خوش‌خوان نگاشته شده که با خواندن دو صفحه از کتاب بدون اینکه بخواهید به خود سختی دهید تا پایانش را یک نفس خواهید خواند. صحنه‌ها مانند یک فیلم درام حادثه‌ای توصیف شده و مخاطب را با خود به صحنه رخ دادن حوادث می‌کشاند. گویی با یک دوربین مستندساز، وقایع از نزدیک در حال روایت و نمایش وثبت هستند. خوانش کتاب احساساتی نظیر دلهره، خشم، غم، افتخار، شمع، عشق و... را در مخاطب ایجاد می‌کند و کاملاً او را با وقایع و شخصیت‌های داستان درگیر می‌کند.

این کتاب روایتگر بخش کمتر شنیده شده از جنگی به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی است که حدود ۲ الی ۳ سال به طول انجامید.

بهزاد دانشگر، خالق این اثر چنین بیان می‌دارد: «این کتاب دو جلد است که به‌خاطر رونمایی در زمان سالگرد شهید سلیمانی جلد اول را زودتر منتشر کردیم و جلد دوم آن شاء الله به فاصله کمی از این جلد منتشر می‌شود. جلد اول این رمان به عملیات ابتدایی یعنی آزادسازی ۱۰۰ گروگان آن هم در خاک افغانستان می‌پردازد

و جلد دوم عملیات آورت است که نقطه عطف مبارزات حاج قاسم با اشرار بود و بعد از آن عملیات بسیاری از اشرار تسلیم شده و تفنگ‌های خود را تحویل دادند. «پدیدآور این اثر، در خصوص گردآوری مستندات کتاب آورتین می‌گوید: «برای کسب اطلاعات بیشتر و تکمیل تحقیقاتم به استان کرمان سفر کرده و با چند نفر از هم‌زمان حاج قاسم که در آن عملیات حضور داشتند گفتگو کردم...»

وی همچنین در رابطه با اهمیت این مبارزات شهید سلیمانی در جنوب شرق کشور که در این کتاب بخش کوچکی از آن ترسیم شده، عنوان می‌کند: «اگر حاج قاسم در آن دوره نمی‌توانست جلوی این اشرار را بگیرد، شاید خیلی زود تر از این... شرایطی سخت‌تر از شرایط کنونی سوریه بر کشور ایران حاکم می‌شد، چرا که قطعاً ناامنی‌ها به مرکز کشور کشیده می‌شد و چند دستگی، تجزیه طلبی و جنگ داخلی قدرت گرفته و آرامش مردم را می‌گرفتند. اما به لطف خدا با جهاد حاج قاسم، در عرض چند سال این ماجرا تمام شد.»

در کتاب حکایت می‌شود که چگونه حاج قاسم در این نبرد، به جای آنکه تنها با متخاصمان مستقیم خود مقابله نماید، ریشه به وجود آمدن و عمق استراتژیک این اشرار در منطقه را با فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی خود می‌خشکاند.

حاج قاسم برای مقابله با سرمنشأ این جریان‌های متخاصم و محارب که در خارج از مرزهای ایران بودند، فرماندهی سپاه قدس را برعهده می‌گیرد و در این راه نیز نهایتاً پس از موفقیت‌های عظیم، به فوز شهادت نائل می‌گردد.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

می رفتند روستایی که باغ پدر بزرگ بود. قرار بود عیدوک یکی دو روز آنجا بماند و با پسرهای عمه ماه ملک بازی کند. مادرش باردار بود و پدر نگران‌شان بود. برایش توضیح می داد خواهری در راه دارد که همین روزها به دنیا می آید و تا آمدن او باید در نبود پدر، مراقب مادر باشد. عیدوک پرسید: «اسمش رو چی می ذارین؟» پدر گفت: «اسمی می ذاریم که توهم دوست داشته باشی. تو قول بده با این حال مادر با ماهو هر روز گلاویز...» جمله تمام نشده بود که یکهو یک ماشین پیچید جلوی‌شان. دو نفر با تفنگ از ماشین پریدند بیرون. تفنگ هایشان را گرفتند طرف آن‌ها و تند هر دو را از ماشین کشیدند بیرون. عیدوک ترسید. بغض کرده بود. پدر فریاد می زد: «چی شده؟... چی می خواین؟...» یکیشان گفت: «برو تو ماشین می خوایم حرف بزنیم. چیزی نیست.» هُلشان دادند صندلی عقب. یکی از تفنگ دارها هم نشست کنارشان صندلی عقب. عیدوک بین پدرش بود و مردی که تفنگ داشت. آن یکی نشست پشت فرمان و راه افتادند. ماشینی که مردها از آن پیاده شده بودند، جلوتر بود و این‌ها پشت سرش می رفتند. سرعتشان زیاد بود. خیلی زیاد. حتی توی دست اندازها سرعتشان را کم نمی کردند. عیدوک هی پرتاب می شد این طرف و آن طرف. عیدوک دلش می خواست یکی از این تفنگ‌ها را داشته باشد و دست بگذارد به تفنگ. نوک انگشتش را زد به لوله تفنگ. سرد بود.

مرد فهیمد و ابروهایش را کشید توهم. بعد تفنگش را کشید کنار و برای عیدوک شکلک درآورد. عیدوک خنده‌اش گرفت. بابا با آن آقا حرفشان شد. داد زدند سر هم، یکهوهمانی که راننده بود برگشت و با مشت کوبید توی صورت بابا. عیدوک ترسید و گریه کرد. بابا آرام شد و سر عیدوک را در بغل گرفت. ماشین‌ها رفتند توی صحرا. هنوز تند می‌رفتند. عیدوک سرش را چسبانده به تن بابا. تازه عیدوک داشت گرمای بدن بابا را حس می‌کرد که...

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

بالگرد از روی خط مرزی رد شد و حاج قاسم به خلبان بالگرد گفت: «آقا این بار از یه مسیر دیگه برگرد توی منطقه. شاید توی این مسیر ببینیمشون.» چند دقیقه بعد، ردی پرحجم از خاک دیده شد و بالگرد تلاش کرد بهشان نزدیک شود. حاج قاسم به کاپیتان تذکر داد: «کاپیتان، مراقب باش! اشرار حساس نشن. این‌ها حتی بوی خطر هم به دماغشان بخوره، تلافیش رو سر مردم در می‌آرن.»

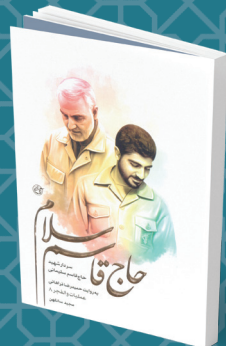


حاج قاسم سلام؛

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به روایت حمیدرضا فراهانی

پدیدآور: مجید سانکهن / ناشر: روایت فتح

تعداد صفحات: ۳۷۲



این اثر، خاطرات حمیدرضا فراهانی در مقام راوی حاج قاسم سلیمانی از لحظه به لحظه فرماندهی آن شهید در عملیات والفجر ۸ است. قرار بود این نوشته به دست حاج قاسم برسد، اما تقدیر براین شد که این خاطرات را دوستان و یاران او بخوانند...

عملیات والفجر ۸ با رمز مقدس "یا فاطمه الزهرا علیها السلام" به عنوان طولانی‌ترین عملیات دوران هشت سال دفاع مقدس با هدف قطع ارتباط رژیم بعث عراق با خلیج فارس انجام شد که دستاوردها و تأثیرات بزرگی در ادامه‌ی موفقیت‌های رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی به دنبال داشت.

عبور از رودخانه‌ای مانند اروند، بر روی کاغذ و به نظر قریب به اتفاق فرماندهان جنگ در جهان غیرممکن و همواره یکی از مشکلات ارتش‌های جهان است؛ ولی در عملیات والفجر ۸ نیروهای عمل‌کننده با عبور از رودخانه اروند که به رودخانه وحشی مشهور است، تعجب دنیا را برانگیختند. اروند در این رودخانه به رزمندگان ما تعظیم کرد...

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

عبور

صحبت‌های حاج قاسم به نقطه‌نهایی رسید، او به امواج خروشان اروند که چند متر آن طرف‌تر پر شدت و سهمگین در جریان بود، اشاره کرد و با بغض گفت: «این آب را می‌بینید، این آب مهریه فاطمه‌زهرا علیها السلام است، خدا رو به حق مهریه حضرت زهرا علیها السلام قسم بدید که امشب از این آب بگذرید و دل امام رو شاد کنید.» بغض‌ها ترکید و گردان ۴۱۰ غواص در میان بلور اشک‌ها غرق شد...

بعد از حرف‌های حاج قاسم انگار مفهوم خروش و بی‌رحمی اروند رود از وجودم کوچ‌کرد و رفت و وجودم پر شد از مفهومی لطیف به نام مهریه حضرت زهرا علیها السلام. حالا چقدر اروند برایم دوست‌داشتنی شده بود. دیگر دوست داشتم همراه بچه‌های غواص به امواج خروشان آن بزnm و زندگی یا مرگ را در میان موج‌های آن تجربه کنم. دیدی؟ مفاهیم، این‌گونه نگاه آدم‌ها را تغییر می‌دهند... حاج قاسم آخرین تذکرات حیاتی را با صدایی از ته گلو به فرماندهان غواص داد. ۳۰۰۰ غواص از لشکرهای مختلفی که قرار بود رأس ساعت ۸ شب به آب بزنند...



خیلی دور؛ ولی نزدیک

پدیدآور: سید حمزه هاشمی بلخی / ناشر: پیک فرهنگ

تعداد صفحات: ۱۳۸



«همین قدر بدانید که بنده حقیر به شما افتخار می‌کنم». این جمله‌ای است که حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در جریان دیداری که نوروز سال ۹۶ در مشهد مقدس با خانواده‌های شهدای فاطمیون داشتند، خطاب به این خانواده‌ها بیان کردند.

کتاب «خیلی دور؛ ولی نزدیک» روایتی متفاوت از پایدردی و فداکاری یکی دیگر از شاگردان سردار سربلند اسلام حاج قاسم سلیمانی است. این کتاب با موضوع رزمندگان و مدافعان حرم افغانستان است که پا به پای رزمندگان ایران اسلامی برای آزادی و نجات مردم مظلوم سوریه و دفاع از حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام از دست داعش و نظام سلطه جهانی حماسه‌هایی جاودان را خلق کردند.

قصه این کتاب کمی با قصه‌های دیگر دفاع از حرم فرق دارد. این داستان گوشه‌ای از داستان واقعی زندگی یک رزمنده مدافع حرم است که ماجرای خواندنی دارد. ماجرای جوانی افغانستانی و اهل سنت که دلدادگی به معشوقش، او را به سوریه می‌کشاند. پیچیدگی داستان اعزامش به سوریه نیز در نوع خود استثنایی است. همراهی این رزمنده با لشکر فاطمیون و شیعه شدنش در حرم حضرت رقیه علیها السلام از موضوعات مورد اشاره در کتاب است.

سفر دوم او به سوریه اما رنگ و بوی تازه‌ای دارد. او بار دوم با چشمانی باز و نگاهی عمیق تر عزم این سفر می‌کند و سرانجام به رزمنده‌ای واقعی بدل می‌شود که برای نجات حرم و مبارزه با داعش تا پای جان مبارزه می‌کند.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

تا کنون سردار حاج قاسم سلیمانی را در سوریه دیده‌اید، برخورد ایشان چگونه است؟

من یک بار سردار سلیمانی را دیدم، شاید بیش از یک بار هم بوده، اما ایشان شناسایی نمی‌شود، زمانی که ابوحامد شهید شده بود ایشان آمده بودند. برای ابوحامد مراسم گرفته بودند، ایشان هم آمده بودند.

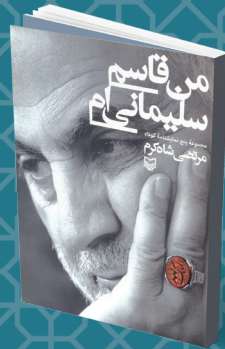
یکی از نیروهای سوریه در اینترنت دیده بود هر کسی سردار را زنده تحویل بدهد ۲۵ هزار یورو می‌تواند دریافت کند.

بعدها فرمانده سرباز سوری از طریق اینترنت گفت و گویی با سردار انجام می‌دهد و سردار می‌گوید:

«زمانی که در غذاخوری داشتیم غذا می‌خوردیم توال تعارف کردی که من غذا خوردن را شروع کنم، من جلوی تو نشسته بودم و متوجه نشدی.»

سردار گفته بود من یک ماه داخل منطقه شما بودم، چرا من را نتوانستید بگیرد.

در عملیات‌ها همدیگر را برادر می‌دانیم و میان سه گروه فاطمیون، زینبیون و حزب الله وحدت حاکم است.



من قاسم سلیمانی ام

مجموعه پنج نمایشنامه کوتاه

پدیدآور: مرتضی شاه‌کرم / ناشر: سوره مهر

تعداد صفحات: ۸۴

«من قاسم سلیمانی ام» با روایتی متفاوت از زندگی و خاطرات سردار سلیمانی، در قالب نمایش نامه نوشته شده است. این اثر هم از حیث محتوا و هم از حیث طراحی و گرافیک به شکلی جذاب نگاشته شده. نویسنده در این کتاب تلاش داشته تا مخاطب را به شناختی عمیق از ابعاد مختلف شخصیتی شهید سلیمانی برساند. همچنین مخاطب در این اثر، با منش و معرفت یاران و سربازان سردار دل‌ها و شیوه سلوک و برخورد حاج قاسم با ایشان آشنا می‌شود. شاه‌کرم، قالب انتقال تمام این مفاهیم را نمایش نامه در نظر گرفته و آخرین نمایش نامه این مجموعه نیز بر اساس اتفاقات تاریخی و کمتر روایت شده جنگ سوریه است.

این کتاب از سوی مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری با هدف آگاهی و شناخت بیشتر از جهان بینی و دیدگاه‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی منتشر شده است. عناوین پنج نمایشنامه این اثر عبارتند از: «مهندس مین»، «کاخ ریاست جمهوری»، «سرباز سردار»، «مفقود دوم» و «من قاسم سلیمانی ام».

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

راوی: مدتی گذشت و مادر هرروز می‌اومد سرمزار پسرش. واسه پسرش سنگ قبر گذاشتن بایه اسم دیگه. ولی واسه مادر مهم نبود تا این‌که بعد از مدتی، به دستور حاج قاسم، پیکر پسر اون خانواده هم پیدا شد و همه فهمیدن این مادر چرا هرروز سرمزار اون شهید می‌اد و می‌شین. سنگ قبر رو عوض کردن و اسم علی‌رضا رو

روی سنگ قبرش نوشتن و زیر سنگ نوشتن مفقود دوم. حاج قاسم اومد بالای سر مزار و مادر رو دید.

سرداز: سلام مادر جان.

مادر: سلام پسر. تو آقای سلیمانی هستی؟

سرداز: بله، من قاسم هستم؛ پسر سومتون، اگه قابل بدونید.

مادر: خوش اومدی حاج قاسم. واسه مادری مثل من افتخاره که پسر ام تو راهی قدم گذاشتن که تو سالارش بودی.

سرداز: پسرات محشر کبری کردند. هر کی می دیدشون می گفت درود و رحمت خدا به پدر و مادرشون!

مادر: به محمود گفتم یه روز حاج قاسم رو دعوت کن بیاد خونمون زیارتش کنیم.

سرداز: یک بار به علی رضا گفتم خدا بهم توفیق بده بتونم برم دست بوسی مادرتون و از نزدیک ببینم اون شیرزنی رو که شمارو پرورش داد و شدید این.

مادر: شما هم عین پسرای خودمی. ممنون که اومدی. دلم آروم گرفت.

سرداز: دعا کنید منم مثل محمود شما مفقود بشم. مادر، دوست دارم تو این راه همه چیزم رو بدم.

مادر: خدا قبولت می کنه. مطمئنم پاکیزه می پذیردت.

● در بخش دیگری از کتاب می خوانیم:

هادی: کجایی حرف می زنه؟

فرمانده: انگلیسی، امریکایی.

عباس: (گوش تیز کرده.) امریکایی حرف می زنه.

هادی: آقای سلیمانی، می دونی عباس چند تا زیون بلده؟

فرمانده: بله، شیش تا.

هادی: از کجا می دونید؟

فرمانده: ده بار تا حالا بهم گفته. (صدای مکالمه دشمن قطع می شود.)

هادی: چی شد عباس؟ چیزی فهمیدی از حرفاش؟

عباس: اون طرف چه خبره؟

فرمانده: خیلی شلوغه. (لبخندی می زند.)

عباس: آدم یاد جنگ جهانی دوم می افته... یه پیغام بود به یه فرمانده بعثی که

تحت آموزش خودشون بوده انگار... واسه ش یه زمین فوتبال رو ترسیم کردن. بعد

گفتن شما برید تو خط دفاع آخر باشید و بذارید ذخیره ها مهاجم باشن... بعد،

گفت مهاجم زودتر مصدوم می شه.

هادی: حالا معنی ش چی هست؟

عباس: خنگ نباش. (رو به فرمانده) ذخیره ها کیان فرمانده؟

فرمانده: نیروهای اردنی، سربازای افریقایی و عمانی ... بعثیا خیلی متحد دارن. ما تقریباً داریم با سی تا کشور می‌جنگیم. (هادی با تعجب به آن دو نگاه می‌کند). عباس: (به هادی) بی شرف تویی سیم به بعثیا می‌گه خودتون عقب وایسید، سربازای متحد رو سپر خودتون کنید! هادی: به خودشون هم رحم نمی‌کنن...

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

مادر: به زنت هم گفتی؟
علیرضا: نه. می‌سپارمش به خودت.
مادر: اگر رفتی و مثل داداشت برنگشتی و خبری ازت نشد، من چیکار کنم؟
علیرضا: مامان، هرچی خواست خدا باشه همون می‌شه.
مادر: به یه شرط رضایت می‌دم که بری.
علیرضا: جان دلم، بگو.
مادر: به شرطی که مثل داداش بی معرفت نباشی و حتی اگه شهید شدی، حداقل پیکرت برگرده پیشم...
علیرضا: آدمی که با خدا معامله میکنه، حساب کتاب نمی‌کنه مامان.
مادر: آره، حق با توئه، هرچی دارم فدای سرخانم فاطمه ع...



اگر ارزی شهادت دارید،

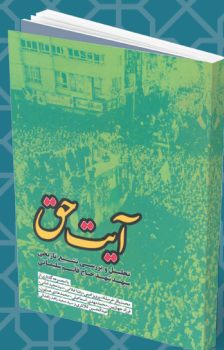
اگر دولت دارید شهادت دهید، اول باید شهادت زندگی کنید.

زندگی نامه و خاطرات همراه با تحلیل



آیت حق

پدیدآور: جمعی از نویسندگان / ناشر: آفتاب توسعه
تعداد صفحات: ۷۴



حادثه‌ای بزرگ که به یکباره جهان را تکان داد. شهادت سردار سلیمانی یکی از اتفاقات بسیار تلخ و تکان‌دهنده تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. بعضی بعد از شهادت و کنار رفتن حجاب حیات به قهرمان ملی و دینی تبدیل می‌شوند اما شهید سلیمانی قبل از شهادت به یک قهرمان ملی و دینی و محبوب دل بسیاری از مردم ایران و سایر کشورهای اسلامی تبدیل شده بود.

در کنار عظمت واقعه شهادت سردار سلیمانی، واقعه دیگری که در حد خود شهادت او بزرگ و تکان‌دهنده است مراسم تشییع جنازه ایشان در ایران بود. ده‌ها میلیون ایرانی با سلاطین و گرایش‌های مختلف، ماتم‌زده و عاشقانه به خیابان‌ها آمدند و واقعه‌ای را پس از چهل و یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی رقم زدند که نظیری برای آن نمی‌توان یافت. این کتاب می‌کوشد تا با بررسی واقعه تشییع بزرگ و با شکوه پیکر شهید سلیمانی، ابعاد وسیع‌تری از نقش و اثر ایشان را به نمایش بگذارد. تحلیل این موضوع و اثرات و نتایج آن در داخل و خارج از ایران از زبان تنی چند از کارشناسان و اساتید دانشگاه شنیدنی و قابل تأمل است. تحلیل‌های کتاب «آیت حق» حاصل گردآوری گفتارهایی از محمدباقر خرمشاد، پرویز امینی، رضا غلامی، سید مجید امامی، فرزاد جهان‌بین، محمد مهدی اسماعیلی، محمد هادی همایون، عبدالحسین کلانتری و سید سعید زاهد زاهدانی است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

تمام برنامه دولت آمریکا در دوره ترامپ، خلع سلاح موشکی ایران و در نتیجه کاهش قدرت منطقه‌ای ایران بود که خروج از برجام و سایر اقدامات آمریکا علیه ایران نیز در

همین راستا قابل ارزیابی است. مروری بر شروط دوازده‌گانه پمپئو نیز گویای همین موضوع است؛ زیرا نیمی از آن به قدرت منطقه‌ای ایران ارتباط دارد. برنامه آن‌ها این بود که با فشار تحریم بتوانند جمهوری اسلامی را وادار کنند تا از این موضع کوتاه آمده، اجازه دهد خلع سلاح شود و پروژه لاکربی لیبی با مدلی دیگر در ایران اجرا شود. ترامپ در مذاکراتش با کشورهای اروپایی اشاره می‌کند که ما با تحریم، ایران را وادار می‌کنیم از این قدرت منطقه‌ای عقب بنشینند. در واقع قدرت منطقه‌ای و قدرت موشکی دو مزیت جمهوری اسلامی بود که تلاش می‌شد این دو مزیت مدیریت و کنترل شود. فتنه‌ای که در کشورهای مقاومت در لبنان و عراق آغاز شد و به دنبال آن اتفاقی که در آبان ماه در جمهوری اسلامی رخ داد، این پیام را به غربی‌ها مخابره کرد که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین نقطه خود قرار گرفته و بهترین زمان برای ضربه زدن به ایران است. هدف آن‌ها نیز از این اقدام، زیر سؤال بردن نقطه اتکا و امنیت روانی مردم بود. اما آن چیزی که باعث شد تشییع پیکر حاج قاسم تبدیل به یوم‌الله شود، مأیوس کردن دشمن بود. جمعیت چند میلیونی به ویژه در تهران که چنین مراسم بدرقه‌ای جز مراسم تشییع امام راحل را به خود ندیده بود، موجب ایجاد یأس در دشمن شد. از سوی دیگر آمریکا اعلام کرده بود در صورت پاسخ ایران، ۵۲ نقطه از جمله مراکز فرهنگی را مورد هدف قرار خواهد داد؛ اما آمریکا حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی عین الاسد در عراق را بدون پاسخ گذاشت، یوم‌الله دوم برای ایران اسلامی رقم خورد و جمهوری اسلامی به اقتدار بالاتری دست پیدا کرد. به اعتقاد بنده این اتفاقات، پروژه تضعیف جمهوری اسلامی را چند سال به عقب بازگرداند.



پرواز بغداد - بهشت *

پدیدآور: محمد جان نثار / ناشر: سدره المنتهی

تعداد صفحات: ۳۷۴



این کتاب یکی از نخستین آثار منتشر شده، پس از شهادت حاج قاسم سلیمانیست. در بخش نخست کتاب، بیانات رهبر معظم انقلاب درباره حاج قاسم نقل شده و در بخش دوم، برش‌هایی از فرازهای مختلف و مهم زندگی حاج قاسم آورده شده است. در این بخش تحلیل‌های بسیار ارزشمندی در کنار ذکر خود خاطرات، از سوی نویسنده ارائه شده است و نیز تحلیل‌هایی که برای مخاطبان حرفه‌ای و اهل مطالعه در زمینه‌های مختلف درس‌آموز و دارای نکات تأمل‌برانگیز است.

تسلط بسیار خوب نویسنده بر اخبار و مطالبی که در خارج از کشور و به خصوص دنیای غرب درباره حاج قاسم بیان شده از مهم‌ترین وجوه تمایز این اثر با موارد مشابه است که به شدت بر جذابیت کتاب افزوده است. چرا که به قول شاعر: «خوش‌تر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران»؛ بخش سوم کتاب، «حاج قاسم به روایات فرماندهان و هم‌زمان» است و بخش چهارم نیز که از جذاب‌ترین بخش‌های کتاب است، حاج قاسم از زبان دیگران توصیف شده است؛ این دیگران، عمدتاً دشمنان حاج قاسمند یا کسانی که حداقل در جبهه دوستان وی قرار ندارند. در دو بخش پایانی نیز برخی از دست‌نوشته‌ها و تقریظ‌های حاج قاسم به همراه وصیت‌نامه سیاسی الهی شهید ذکر شده است.

پدیدآور این اثر، چندی بعد از انتشار کتاب، حاج قاسم را خواب می‌بیند که میهمان منزل مادرش شده است. یکی از پسران حاج قاسم خطاب به نویسنده اثر چنین بیان داشته که: به احتمال زیاد، علت این خواب و کیفیت آن، این است که میان شما و حاج قاسم در شدت احترام و دست‌بوسی و پابوسی مادر، سنخیت و مشابهتی وجود داشته است. آنچه از نظر نویسنده این اثر در مجموعه پژوهش‌هایش درباره حاج قاسم بسیار خاص و ویژه می‌نمایاند، شدت اخلاص و مردمی بودن این شخصیت کم‌نظیر تاریخ معاصر ایران و جهان است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«مارکوس کارنلوس» دیپلمات ارشد ایتالیایی و سفیر اسبق این کشور در عراق در «میدل ایست آی» نوشت:...

مقامات آمریکایی در این مستند مدعی هستند که سلیمانی مدام خواستار برقراری رابطه با آن‌ها می‌شده و آن‌ها دست رد به سینه او می‌زدند. اما از روی تجربه‌ای که در عراق پیدا کردم می‌توانم اطمینان بدهم که قضیه درست برعکس آن است. طی دو سالی که در بغداد بودم بارها مقامات آمریکایی از من خواستند که پیغام آن‌ها را به شبه نظامیان شیعه برسانم که بیشتر حول تقاضا برای ارتباط مستقیم با ایرانیان

بود. این درخواست مرتباً از سوی دو سفیر ایران در بغداد که با آن‌ها برخورد داشتم رد شده بود. هر دو سفیر احتمالاً کاملاً با سلیمانی در ارتباط بودند.

هیچ تردیدی نیست که سلیمانی یک فرمانده نظامی نابغه است. افرادی که از نزدیک با او تعامل داشته‌اند، مانند (موفق الرباعی)؛ مشاور نظامی و امنیت ملی نوری المالکی، سه ویژگی اصلی او را به طور خلاصه بیان کرده‌اند: «به طرز هراسناکی باهوش، با تفکر مکتبی و از همه مهمتر دارای استعداد های کم نظیر راهبردی و تاکتیکی.»

هنگام ارزیابی نقش سلیمانی طی دو دهه گذشته در لبنان، یمن، سوریه، عراق و افغانستان، دو عنصر مهم را باید در خاطر داشت، نخست اینکه او نمایشی یک نفره را اجرا نمی‌کند. اگر چه او استعداد بالایی دارد، هرگز نمی‌توانست بدون حمایت سیاسی تهران (رهبر عالی ایران) که علی‌رغم شکاف‌های عمیق داخلی، دارای اهداف شفاف و واقع‌بینانه‌ای در حوزه امنیت و سیاست خارجی می‌باشد، به این دستاوردهای بزرگ برسد.

دوم اینکه سلیمانی فرد متعصب و خشک مغزی نیست. او دارای شجاعت، سخاوت، تعهد انقلابی و حس همدردی نسبت به افرادش هست. او رهبری الهام‌بخش و شنونده است که مذاکره را با توسل به شبکه ارتباطی عظیمی که دارد، تسهیل می‌کند. این‌ها ویژگی‌هایی هستند که دشمنان عرب، آمریکایی و اسرائیلی

او گاهی فاقد آن هستند. منشأ اصلی موفقیت‌های او، توانایی بی‌همتای او در تکیه بر خطاهای بی‌شمار دشمنانش می‌باشد.

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

من به این تذکر حکیم بزرگ، رهبر عزیزمان برخورد کردم که فرمودند: «اینکه خداوند می‌فرماید: «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۲۲)» حق جهاد این است که تو هر چه در چنته و توان داری ولو اینکه توان تو دو درصد باشد یا پنج درصد، اما اگر همه آن پنج درصد را به میدان بیاوری، آن وقت خدا آن ۹۵ درصد را شامل حال تو خواهد کرد و این معنای آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۴۷)» خواهد شد.» بنابراین شرط محقق شدن نصرت الهی، حضور در میدان با حداکثر توان موجود است.

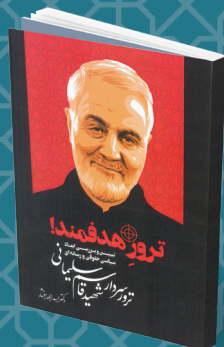


ترور هدفمند؛ تبیین و بررسی ابعاد سیاسی،

حقوق رسانه‌ای ترور سردار شهید قاسم سلیمانی

پدیدآور: اسدالله افشار / ناشر: سفیراردهال

تعداد صفحات: ۴۵۸



شهادت سردار بلند آوازه سپاه قدس، سوگ و حزنی عمیق و جانسوز برپیکره و قلب ایران برجای گذاشت. کتاب «ترور هدفمند» قصد دارد به تبیین و بررسی ابعاد سیاسی، حقوقی و رسانه‌ای شهادت سردار سلیمانی بپردازد. از چگونگی ترور، چرایی و اهمیت این واقعه و همین‌طور شرح جزئیات آن می‌گوید. این کتاب برخلاف سایر کتاب‌هایی که بیشتر به خاطرات برخی از دوستان، خانواده و هم‌زمان آن شهید بزرگوار می‌پردازند، بیشتر به ابعاد سیاسی و فنی این واقعه توجه دارد و می‌کوشد تا با واکاوی این اتفاق و تبعات ناشی از آن سیاست‌های پشت پرده نظام سلطه جهانی را آشکار نماید.

برخی از موضوعاتی که در این کتاب به آن پرداخته شده عبارتند از: آشنایی با گوشه‌هایی از زندگی سردار سپهبد شهید سلیمانی، تأسیس لشکر ثارالله و نخستین فرمانده این لشکر، نیروی قدس سپاه و انتخاب به عنوان دومین فرمانده این نیرو، شرح عملیات ترور سردار سلیمانی از نگاه رسانه‌های آمریکایی، جزئیات ترور سردار شهید سلیمانی از زبان ترامپ، متن پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب، تشییع با شکوه پیکر سردار شهید سلیمانی و هم‌زمانش در عراق، نماز

متفاوت رهبر معظم انقلاب، بازتاب خلق حماسه میلیون‌ها ایرانی در بدرقه سردار مقاومت در رسانه‌های دنیا، سیلی ایران به آمریکا و انعکاس بین‌المللی آن؛ پاسخ محکم، صریح و علنی به آمریکا؛ روایت افسردانمارکی از لحظات ترسناک فرود موشک‌های سپاه در عین الاسد؛ اعتراف تل‌آویو به توان شگفت‌انگیز ایران در حمله موشکی به عین الاسد و... نکته دیگری که در مورد این کتاب بسیار جالب توجه است اظهار نظر برخی افراد شاخص در حوزه‌های تخصصی علوم سیاسی، نظامی و روابط بین‌الملل است. واکنش رسانه‌های خبری جهانی همچون بی‌بی‌سی و... و بازتاب خبری ناشی از ترور سردار سلیمانی نیز از دیگر نقاط قوت این کتاب به شمار می‌رود.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

توثیت‌های ترامپ به ویژه آن بخش که نوشته است ۵۲ مرکزیا سایت مهم که برخی از آن‌ها به لحاظ فرهنگی برای ایران و ایرانیان بسیار مهم هستند، به سرعت واکنش برانگیز شد... چرا که به صورتی مشخص تهدید ترامپ معطوف به مراکز ارزشمند تاریخی - فرهنگی ایران بوده و خود او هم به اهمیت بسیار زیاد آن‌ها برای فرهنگ ایرانیان اشاره کرده بود، اما خبر این توثیت‌های ترامپ در بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال و من‌وتو با سانسور منتشر شد.

بی‌بی‌سی فارسی در تیترو خود صرفاً چنین نوشت:

هشدار ترامپ: ۵۲ هدف را در داخل ایران در نظر گرفتیم.

در پاراگراف اول گزارش هم هیچ اشاره‌ای به مراکز فرهنگی بیان شده ترامپ نشده است.

ایران اینترنشنال هم دقیقاً این خبر را به همین شکل و با اشاره نکردن به مراکز فرهنگی انتشار داد.

از همه این موارد عجیب‌تر شبکه تلویزیونی من‌وتو بود. در اینستاگرام و سایت من و تو اظهارات ترامپ با چرخش و تحریفی آشکار بدون اشاره به واژه‌های ایران و ایرانیان که به صراحت در توثیت‌های ترامپ روی آن تأکید شده بود، با جمهوری اسلامی

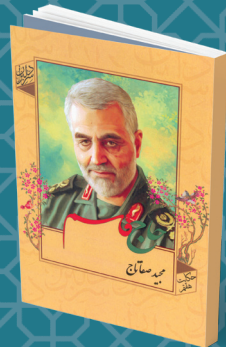
عوض شده و به نقل از ترامپ نوشتند:
ایالات متحده ۵۲ هدف جمهوری اسلامی را در تیررس دارد که برخی از آن‌ها خیلی
مهم ورده بالا هستند.
بی‌بی‌سی از هنگام پوشش خبری شهادت سردار سلیمانی، رسانه‌ای در خدمت
تروریسم بود و بازوی رسانه‌ای دولت آمریکا شد تا ترور را توجیه کند. تروریسم بدون
رسانه نمی‌تواند خود را قانونی جلوه دهد و بی‌بی‌سی فارسی در خدمت مواضع
دولت آمریکا بود تا این کار انجام شود.



حاج قاسم*

حکایت هفتم از مجموعه سِر دلبران

پدیدآور: مجید صفاتاج / ناشر: آفاق روشن بیداری
تعداد صفحات: ۳۹۴



همواره در طول تاریخ بشریت، هر جایی که نغمه توحید بلند شد و آوای عدالت مطرح گشت، رویش دشمنان نیز آغاز گردید. رزم و ستیزه حق و باطل، کارزار امروز و دیروز نیست. هر کجا سخن از توحید، ولایت الله و ولایت اولیاء الله باشد مصاف توحید و طاغوت نیز پدیدار می‌گردد.

مجموعه «سِر دلبران» به قلم مجید صفاتاج شامل هشت کتاب است و هر کتاب بیانگر حکایتی است؛ حکایت اول: محبوب، حکایت دوم: امام لبنانی‌ها، حکایت سوم: چمران، حکایت چهارم: سیدعباس، حکایت پنجم: شیخ راغب، حکایت ششم: حاج رضوان؛ حکایت هفتم: حاج قاسم و حکایت هشتم: سید هادی. حاج قاسم که حکایت هفتم از مجموعه سِر دلبران است از مکتب عاشورا آغاز می‌شود و این مکتب را آغازگر جریان آزادی و دادخواهی در جهان می‌داند. فصل نخست این کتاب از دوران کودکی سردار سلیمانی آغاز می‌شود که همان پرورش در مکتب عاشورا است. شرح روزهای کودکی تا جوانی، رسیدن به آستانه انقلاب اسلامی، و عضویت در سپاه پاسداران و دفاع مقدس در ادامه، نمایی نزدیک‌تر از سردار را نمایش می‌دهد. حضور در سنگر جهاد پس از جنگ تحمیلی، مبارزه با اشراک و قاچاقچیان مواد مخدر شرق کشور در مرزهای افغانستان نیز از دیگر خدمات سردار دلیر ایران است که او بر خود رسالت و وظیفه می‌دانست. شرح هریک از موضوعات مطرح شده به طور روشنی، ذهن خواننده را با جزئیات زندگی حرفه‌ای سردار آشنا می‌سازد. حضور و فرماندهی در جبهه لبنان، حمایت از مردم مظلوم عراق و سوریه، کمک به سیل زدگان

خوزستان، نگاه کارشناسان سیاسی و نظامی به ایشان، گوشه‌هایی از خاطرات و... تا شهادت به همراه قاب‌هایی از تصاویر ماندگار، حکایتی شنیدنی از اسرار حاج قاسم عزیز را روایت می‌کند.

● در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

زمانی که مسئولیت بازسازی عراق را به حاج قاسم دادند پس از تشرف به نجف اشرف تصمیم می‌گیرد حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیارت کند. تعریف می‌کرد که وقتی سمت حرم می‌رود، در حرم بسته بود و با پیگیری خدام در را باز کردند و وارد حرم می‌شود. وقتی سمت ضریح می‌رود، می‌بیند روی ضریح گرد و غبار است. دلش می‌شکند و با دیدن این غربت تصمیم می‌گیرد که ستاد بازسازی عتبات را راه‌اندازی کند. وقتی داعش به سامرا حمله و به گنبد حرم امامین عسکریین (علیه السلام) تعرض کرد، بچه‌های ستاد بازسازی با تفنگ با داعش مبارزه کردند. به ویژه در بلد که رو در رو برای دفاع از مقدسات در خط مقدم بودند. بچه‌های ستاد هم روحیه مقاومت و دلاوری داشتند. یادم است سردار سلیمانی تعریف می‌کرد که سخت‌ترین مبارزه ایشان در عراق همان زمان در مسیر بغداد تا سامرا بوده است، به طوری که در جنگ با داعش و تکفیری‌ها در بلد و سامرا مثل اسفند روی آتش بود که مبادا اهانتی به حریم ائمه اطهار (علیهم السلام) شود.



سردار مقاومت و سرباز ولایت

پدیدآور: قاسم نصیرزاده / ناشر: خادم الرضا علیهم السلام

تعداد صفحات: ۱۴۸



وقتی سخن از مقاومت به میان می‌آید، ناخودآگاه با نام سلیمانی قرین می‌شود. مردی از جنس ایثار، مردانگی، شجاعت، غیرت و ... سلیمانی یک شخص یا یک نام تنها نیست، او شناسنامه یک امت واحد، یک ملت سرافراز و یک ایرانی تمام عیار است.

کتاب «سردار مقاومت و سرباز ولایت» می‌کوشد با تبیین مفهوم مقاومت و مفاهیم مرتبط با آن، مخاطب را به شناختی دقیق از این موضوع برساند. ارائه الگو و ترازوی شاخص که واجد تمام ملاک‌های مقاومت در فرهنگ اسلامی است از امتیازات این کتاب به شمار می‌رود.

این کتاب در پنج فصل شامل: مفهوم مقاومت در آیات و روایات، مقاومت و مؤلفه‌های آن در کلام رهبری، سردار سلیمانی اسوه بارز مقاومت، نگرشی بر اندیشه‌های شهید سپهبد سلیمانی و همچنین خاطراتی از سردار شهید سپهبد سلیمانی به چاپ رسیده است.

جامعیت این اثر موجب شده که در آستانه اولین سالگرد شهادت سردار دل‌ها، سپهبد حاج قاسم سلیمانی، چندین مسابقه بزرگ کتاب‌خوانی از این کتاب طراحی و برگزار شود؛ به همین دلیل سئوالات چند گزینه‌ای و تشریحی در بخش انتهایی کتاب به همراه پاسخنامه، امکان شرکت در مسابقات کتاب‌خوانی را برای خوانندگان فراهم آورده است.

«سردار مقاومت، سرباز ولایت» در فصل اول به تبیین واژه «مقاومت» و در فصل دوم به تشریح مؤلفه‌های مقاومت در کلام رهبری پرداخته است. معرفی شهید سلیمانی به عنوان اسوه بارز مقاومت و ولایت‌مداری از موضوعات شاخص کتاب است که با عنوان کردن دیدگاه‌های گوناگون درباره شهید سلیمانی، به دور از هرگونه پیچیدگی و زیاده‌گویی به این مهم می‌پردازد.

با توجه به پیام مقام معظم رهبری که فرمودند: «شهید سلیمانی چهره بین المللی مقاومت است.» فصل سوم کتاب، نقش ایشان در تشکیل جبهه مقاومت و مبارزه با داعش در سوریه و عراق و تبعات بین المللی آن را به تصویر کشیده است.

آگاهی از اندیشه‌ها و نگرش سردار شهید سلیمانی پیرامون انقلاب اسلامی و مسائل جهان اسلام که برگرفته از سخنان ایشان است، در فصل چهارم کتاب ارائه می‌شود. فصل پایانی کتاب هم به خاطراتی از این شهید والامقام اختصاص دارد که برای دوستان ارادتمند مکتب شهید سلیمانی بسیار آموزنده و قابل توجه است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

رهبرانقلاب با اشاره به خط قرمزی که سردار سلیمانی داشت فرمودند: «ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها نبود، اما به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود و برخی سعی نکنند که این واقعیت‌ها را کم‌رنگ کنند.»

ایشان در تبیین تأثیرگذاری بی‌بدیل سردار سلیمانی در قضیه فلسطین اظهار کردند: «حاج قاسم کاری کرد که منطقه کوچکی مانند غزه، در مقابل صهیونیست‌های پرمدعا، به گونه‌ای ایستاد که رژیم صهیونیستی ۴۸ ساعته مجبور به درخواست آتش‌بس شد.»



وقت کنید،

ما همین قاسم سلیمانی که هستیم،

اگر فدای ما رحم نلند،

معلوم نیست تا آخر باشیم...

مکتب حاج قاسم



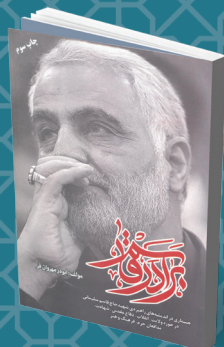
برادر قاسم؛ جستاری در اندیشه‌های راهبردی شهید

حاج قاسم سلیمانی در حوزه ولایت، انقلاب، دفاع مقدس،

شهادت، مدافعان حرم و فرهنگ و هنر

پدیدآور: اسدالله افشار / ناشر: سفیر اردهال

تعداد صفحات: ۴۵۸



برادر قاسم همان‌گونه که از نامش نیز مشخص است، گزینشی دقیق از سخنان حاج قاسم سلیمانی در زمینه‌های مهمی است که با مطالعه آن انسان می‌تواند تا حدی با مکتب فکری و عملی حاج قاسم آشنا شود. نقل قول‌هایی که بعضاً کمتر شنیده شده‌اند، به خوبی باب‌بندی شده و در کنار هم چیده شده‌اند و با تعداد بسیار زیادی پاورقی ارزشمند تقویت و تکمیل شده‌اند. میزان حجم پانویس‌ها در این اثر اگر از خود اثربیشتر نباشد کمتر نیست. در پانویس‌ها نیز علاوه بر ارائه اطلاعاتی ناب و کمتر شنیده شده، باز هم نقل قول‌های بسیار ارزشمندی از خود حاج قاسم و دیگر هم‌زمان شهید نقل شده است.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

قسمت‌هایی از صحبت‌های حاج قاسم سلیمانی درباره شخصیت شهید حسن باقری:

فرماندهان تیپ‌ها را، غیر از یکی دو نفرشان که در جبهه‌های مختلف مسئولیت داشتند، همه را حسن باقری کشف کرد...

حسن واقعاً یک رهبر بود. تعبیرم این است که او بهشتی جنگ بود. همان نقشی که مرحوم بهشتی برای انقلاب و امام داشت، همان نقش را حسن باقری برای جبهه و جنگ داشت. قطعاً همه فرماندهان قدیمی جنگ، نظرشان این است که

اگر حسن زنده می ماند، در وضعیت جنگ قطعاً تأثیر داشت. او پرورش دهنده همه ما بود...

شاید یکی از دلایلی که باعث شد از رفتن صرف نظر کنم و در جنگ ماندگار شوم، شخصیت حسن بود. من خود را مدیون حسن باقری می دانم. در بخشی از پانویس مربوط به سخنان شهید حاج قاسم سلیمانی درباره شهید حسن باقری، به نقل از شهید همت چنین آمده:

یکی از ویژگی های خاص او (حسن باقری) این بود که صبح عملیات، زیر آتش سنگین می آمد توی خط سرکشی می کرد و محکم برخورد می کرد. اگر واحدی سستی می کرد، بازخواست می کرد. بعد از حسن باقری، دیگر کسی پیدا نشد...

این ها جزو اتهامات جنگ است.

این گونه در ذهن مردم جا افتاده، البته در بعضی فیلم ها هم نشان می دهند که یک گردان پشت میدان مین مسابقه می دادند تا خودشان را روی مین بیاندازند و شهید شوند؛ اگر کسی فهم از جنگ داشته باشد و جنگ را خوب بشناسد می داند که چنین چیزی واقعیت ندارد. چرا که برای باز شدن یک معبر یک نفر هم کفایت می کند. اصلاً چطور ممکن است که در جنگ چنین اتفاقی افتاده باشد. این ها جزو اتهامات جنگ است، منتها ما فکر می کنیم چون این ها بیانگر

شهامت هاست لذا یک دروغ را آن قدر بزرگ می‌کنیم که نتیجه عکس می‌دهد؛ ما اصلاً در جنگ چنین چیزهایی نداشتیم بلکه بچه‌های ما در تخریب با ابتکارهای خود معبراً باز می‌کردند. به نظر من این کارها ابتکارات بچه‌های فداکار جنگ را زیر سوال می‌برد.

ملی‌گرایی دروغین با محک جنگ

اعتقاد بنده این است و این اعتقاد در تجربه برایم ثابت شد که بخش اعظم آن چیزی که در ایران جنبه ملی‌گرایی و ناسیونالیستی دارد دروغ است؛ ملی‌گرایی را برای مقابله با اسلام‌گرایی عَلم کردند و ملی‌گرایی به معنای حبّ وطن، که کسی درد داشته باشد و بیاید برای کشورش کاری انجام بدهد از این مدعیان ملی‌گرایی ظهور و بروزی نداشته. اگر نه ما در صحنه‌های جنگ باید ملی‌گراها را جلوتر از هر عنصر دیگری می‌دیدیم؛ در دوره هشت ساله جنگ و تجاوز خارجی دشمن تاریخی به ایران، ما باید ملی‌گراها، نهضت آزادی و جبهه ملی را می‌دیدیم، ولی هیچ اثری از آن نیست. هیچ کجا بسیجی از آنها ندیدیم، اینکه این‌ها بخواهند ثبت نام کنند،

بخواهند نیرو جمع کنند، تشکیل گردان و گروهان بدهند و به جبهه اعزام شوند، هیچ وقت این اتفاق نیفتاد، ملی‌گرایی دروغین برای مقابله با مذهب و اسلام بود.

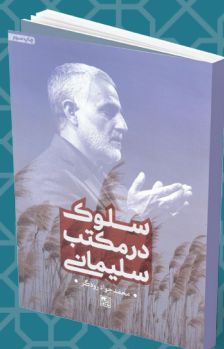
● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

نکته‌ای که دشمن می‌داند و اما باید با جدّیت بداند، آن است که آن چیزی که قصاص خون عماد، شلیک یک موشک نیست. قصاص خون یک عماد است، کشتن یک نفر نیست! قصاص خون عماد و همه عمادهایی که در فلسطین و لبنان به شهادت رسیده‌اند و در ایران و دیگر جاها با توطئه رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند، برچیدن و بنیان‌کندن این رژیم کودک‌کش صهیونیستی است و دشمن نیز خود می‌داند که این امر حتمی است.



سلوک در مکتب سلیمانی

پدیدآور: محمد جواد رودگر / ناشر: موسسه
فرهنگی دانش و اندیشه معاصر / تعداد صفحات: ۲۶۴



چگونه می‌شود کسی از میان خودمان به درجه‌ای از مقام انسانی و روحانی برسد که به او سردار دل‌ها بگویند؟! چطور توانسته قلب‌ها را منقلب کند؟ شیوه و سلوک زندگی او چگونه بوده است که به این مرتبه از تأثیرگذاری می‌رسد.

در کتاب «سلوک در مکتب سلیمانی» اصول و راه‌های سلوک عرفانی و الهی حاج قاسم معرفی و ارائه شده است.

نویسنده در ۹ فصل با عناوین سلوک سلبی، سلوک سازگار، سلوک سازنده، سلوک صائب، سلوک صادق، سلوک صالح، سلوک جامع، سلوک ولایی، سلوک و صلوات، سیر و تعالی معنوی سردار سلیمانی را بررسی نموده و به تفصیل بدان پرداخته است. وی در خصوص نگارش کتاب می‌گوید: «از ششم اسفندماه سال گذشته شروع به نوشتن کتاب کردم و تا ۲۰ فروردین ۱۳۹۹ نگارش کتاب به طول انجامید. کتاب در ۹ فصل تنظیم شده است و روزی که شروع به نوشتن کتاب کردم، همزمان با سالروز وفات حضرت زینب علیها السلام بود و در زمان نگارش کتاب نیز گویی عنایاتی از عالم برزخ صورت می‌گرفت. کار نوشتن کتاب نیز در سالروز ولادت سردار سلیمانی به اتمام رسید.»

آن چه تاکنون در باره شهید سلیمانی نوشته شده، عمدتاً خاطرات و زندگی‌نامه ایشان بوده. اما در این اثر ارزشمند، نوعی پژوهش درباره فردی از اهل معنا و معنویت و صاحب مکتب صورت گرفته که در بین خاطره‌نگاری‌های متعارف و بسیار ضروری، باید با دیدی عمیق به آن نگرست که بتوان مکتب او را در همه ابعاد و عرصه‌ها معرفی و جامعه امروز و فردا را با مکتبشان آشنا نمود، هم برای سلوک طبق آن مکتب و هم برای مصونیت از تحریف آن.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

گفتار و رفتار سردار سلیمانی «مصدق» یا تصدیق کننده هم بودند، معنای ایمان و مؤمن نیز همین است که قول او فعلش و فعل او قولش را تصدیق کند. هرچه سلیمانی بزرگ تر می شد رشد ایمانی و معنوی بیشتری کرده و این صدق در زبان و عمل او شدیدتر می شد. او جلوتر که می آمد پخته تر و در این اواخر گداخته تر می شد، چنان گداختگی که قدرت تحمل زندان تن و طبیعت را نداشت و در فراق دوستان راستانش می سوخت و توانایی درد هجرانشان را نداشت و با نام و یادشان مثل ابربهاران اشک از چشمان پاکش بر چهره نورانی اش جاری می گشت، گاهی در جمع حق هق و گاهی با صدای بلند گریه می کرد... آنگاه که حسین (محمد حسین یوسف الهی) قائم مقام واحد اطلاعات - عملیات لشکر ۴۱ ثارالله کرمان حرف می زد بند دلش پاره می شد و آتشفشان درونش باز شده و چشمانش باریدنی می گرفت که تمام نشدنی بود. همان «حسین پسر غلامحسین» که دائماً یادشان می کرد و انگار با او زندگی کرده و شب و روزش را می گذارند. وقتی دو خبر شگفت انگیز ۱. شهادت و بازگشت اکبر موسایی و صادقی، ۲. خبر پیروزی عملیات از زبان حضرت زینب علیها السلام را از قول حسین پسر غلامحسین می داد و او را عابد به معنای حقیقی کلمه و بنده خدا معرفی می کرد. از احمد کاظمی که حرف می زد، جور دیگری می شد، عاشقش بود و می گفت: «هیچ نمازی ندیدم که احمد بخواند و در قنوت یا پایان نماز گریه نکند» آری! این نمی از یم سلوک او با شهدا که رفقای سلوکی اش بودند، بود.



شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی*

پدیدآور: علی شیرازی / ناشر: خط مقدم
تعداد صفحات: ۱۳۲



«ما به حاج قاسم سلیمانی، شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم.» بیانات مقام معظم رهبری در ۲۷ دی ۱۳۹۸، خطبه‌های نماز جمعه تهران

در این کتاب نویسنده مکتب سلیمانی را برگرفته از مکتب امام خمینی رحمته‌الله می‌داند و مکتب ایشان را برگرفته از مکتب اسلام.

نویسنده برای تبیین مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در مطلع هر بحث، سخنی از امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری (حفظه الله) را که با موضوع بحث مرتبط است، یادآور می‌شود. در ادامه با اشاره به عملکرد و رفتار شهید سلیمانی و استناد به خاطرات و یادداشت‌ها، ارتباط بین مکتب سلیمانی با مکتب امام خمینی رحمته‌الله را تبیین و تحلیل می‌نماید. با توجه به این که علی شیرازی از دوستان نزدیک و صمیمی حاج قاسم بودند، مطالب کتاب براساس سخنان شهید و خاطرات دیگر دوستان و خانواده ایشان اثری در حد بضاعت جامع، مستند و خلاصه را تدوین نموده که با مطالعه آن می‌توان از خصوصیات مکتب سلیمانی و تفکرات سردار، شناخت به‌تر و عمیق‌تری کسب نمود.

از جمله شاخص‌هایی که بدان پرداخته شده می‌توان از عشق به اسلام ناب

محمدی رحمۃ اللہ علیہ، ارادت به اهل بیت علیہم السلام، پای بندی به تکلیف شرعی، جاذبه و دافعه، مقاومت و ایستادگی، عشق به کتاب و مطالعه، جان نثاری و روحیه شهادت طلبی، نام برد.

البته تمامی شاخص ها در این کتاب ذکر نشده و بیشتر اھم آن ها انتخاب شده تا در عین خلاصه بودن، اطلاعات خوب و مستندی را به خواننده ارائه دهد. موضوع بندی دقیق، ارتباط بین موضوع و صحبت ها و خاطرات و ارجاع آن به بیانات امام و رهبری باعث شده که این کتاب ارزشمند، مرجع خوبی باشد. با خواندن کتاب پی می بریم که سردار دل ها شدن و صاحب این مقام و منزلت بودن را می توان با ولایت مداری بدست آورد و دنباله روی مکتب امام بودن به همین معناست.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

جاذبه و دافعه:

جاذبه و دافعه، به این معناست که انسان، در راه عقیده ی خود، گروه هایی را به سوی خود می کشد و در دل هایی محبوب واقع می شود و گروه هایی را هم از خود می راند؛ هم دوست ساز است و هم دشمن ساز.

امام خامنه‌ای در ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ در سالگرد ارتحال امام خمینی فرموده‌اند: «یک شاخص دیگر در برنامه‌ی امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسئله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام بود. انسان‌های بزرگ، جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد. همه، جاذبه و دافعه دارند. شما با رفتار خودتان، یکی را به خودتان علاقه‌مند و متمایل می‌کنید؛ یکی هم از شما می‌رنجد؛ این، جاذبه و دافعه است. مکتب شهید سلیمانی، در این شاخص نیز منطبق با مکتب امام خمینی است. آن سردار گران‌قدر، دارای جاذبه و دافعه‌ای قوی براساس معیارها و ارزش‌های دین مبین اسلام بود.

یکی از اصول جاذبه و دافعه‌ی شهید سلیمانی، عقلانیت همراه با تعبد ایشان بود. آن عزیز گران‌قدر، سخت پای بند به اصول اساسی اسلام بود و یک قدم از اصول منحرف نشد. حب و بغض ایشان، برای خدا بود، و هرگز تابع خواهش‌های نفسانی نبود. هرگز بر اساس دنیاطلبی و قدرت‌خواهی جذب و دفع نکرد. مبنای اصلی جاذبه و دافعه‌ی سردار رشید حاج قاسم سلیمانی، اسلام ناب محمدی ﷺ بود. او با تکیه بر مکتب اسلام و مکتب امام خمینی و با نیت و عمل خالص و ناب، جماعت زیادی از مردم ایران و مسلمانان جهان را جذب کرد. او با این جاذبه، به علت پای بندی به مبانی و ایستادن پای اصول، دشمنانی نیز برای خود به وجود آورده بود و برای پاسداری از انقلاب اسلامی و ولایت و رهبری، در برابر آن

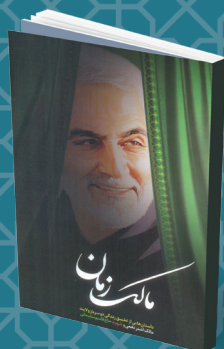
دشمنان یا غافلان می‌ایستاد و محکم حرفش را می‌زد و از ارزش‌های اسلامی و انقلابی دفاع می‌کرد.

ایشان در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسند: «جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم... لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید باید به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام، خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران کردن این خیمه است... والله، والله، والله، این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه، حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.»



مالک زمان*

پدیدآور و ناشر: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی
تعداد صفحات: ۱۲۰



مکتب سلیمانی مکتب اسلام است. الگوی شهید سلیمانی در همه ابعاد زندگی و فعالیت‌های گسترده‌ای که در عملیات‌های خود اعم از نظامی و غیرنظامی داشتند، برگرفته از اسلام و اصل اطاعت و تبعیت از ولایت بود.

کتاب مالک زمان برگرفته از توصیه‌های امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به فرمانده سپاه خود مالک اشتر است. بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام برای تمامی آزادگان و مردمان غیوری است که بخواهند راه درست بندگی و انسانیت و نیز حکومت عادلانه را بشناسند. چرا که این توصیه‌ها مربوط و محدود به زمان و مکان و شخص خاصی نیست، همان‌طوری که در این زمانه معاصر، مالک اشتر دیگری با عمل به این توصیه‌ها پا به عرصه و صحنه روزگار نهاد.

کتاب مالک زمان، بیش از پنجاه داستان کوتاه، جذاب و کمتر شنیده شده، از زندگی، رشادت‌ها و مجاهدت‌های سردار دل‌ها شهید سلیمانی است که در پایان با ذکر حدیثی از توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک و دیگر کارگزارانشان، تطبیق حیرت‌انگیز عملکرد این شهید بزرگوار را با فرامین و تعالیم حضرت امیر نشان می‌دهد. با مطالعه این کتاب مخاطب در می‌یابد که مکتب سلیمانی منشعب از مکتب علویست! و به قول یک حکیمی، سلیمانی از شخصیت‌هایی بوده است که حدیث امامش را زندگی کرده. کتاب «مالک زمان» توسط گروهی از نویسندگان گردآوری و به کوشش گروه شهید ابراهیم هادی منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

وقتی وارد شدیم از عظمت سردار ترسیدم و با خود گفتم: اگر من بگویم پدرم قاجاقچی بوده مرا تنبیه نمی کند؟! این سردار خودش مأمور مبارزه با اشرار و قاجاقچی هاست، من چگونه به او بگویم پدرم در راه قاجاق کشته شده؟!

تو این احوال بودم که مادرم سیر تا پیاز ماجرا را تعریف کرد، همین طور که مادرم می گفت، سردار سرش را پایین گرفته بود و گوش می کرد.

حرف های مادرم که تمام شد با خود گفتم مادرم چقدر ساده است. الانه که زنگ بزند و ما را دستگیر کنند!

اما سردار برگه ای برداشت و نامه ای نوشت و از کمیته امداد درخواست کرد تا به وضعیت ما به طور کامل رسیدگی شود.

عجیب بود، مشکلات ما با نامه سردار حل شد. با این که پدرم به دست سربازان همین سردار کشته شده بود، اما همیشه ایشان را دوست داشتم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه ی ۶۷ به والی مکه می فرماید:

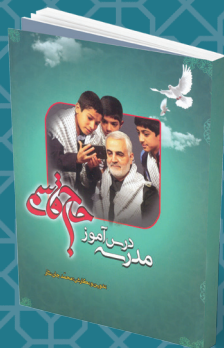
«میان تو و مردم، پیام رسانی جز زبانت و مانعی جز صورتت نباشد. هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مکن. زیرا اگر ابتدا از پیش تو رانده شود و سپس، نیاز او را برآوری، کسی تو را نستاناید. در مال خدا که نزد تو گرد می آید، نظر مکن، آن را به عیالواران و گرسنگانی که در نزد تو هستند و به محتاجان و فقیران برسان. و هر چه افزون آید، نزد ما روانه اش دار، تا ما نیز آن را به محتاجانی که نزد ما هستند برسانیم.



مدرسه درس آموز حاج قاسم

پدیدآور: محمد جان نثار / ناشر: سدره المنتهی

تعداد صفحات: ۱۶۰



آنچه در دنیای امروز برای جوان و نوجوان نیاز است داشتن یک الگوی قابل درک و ملموس است. نوجوان امروزی وقتی مردانگی، شجاعت، ایثار، ایستادگی در برابر ظلم، تبعیت از ولایت و مردم‌داری و تواضع و تخصص و هوشمندی را در اعمال و رفتار و گفتار کسی به چشم خود ببیند، برای قدم گذاشتن در راه سعادت و کامیابی پیرو مرام و مسلک آن فرد می‌شود. برای نوجوانی که تشنه و آماده شنیدن، دیدن، یادگرفتن، رشد یافتن و عمل کردن است، داشتن نقشه راه بسیار مهم و حیاتی است. چنان‌که در طول هشت سال دفاع مقدس نوجوانانی بودند که براساس فرهنگ ارزشمند ایثار و مقاومت وارد میدان شدند و تمام هستی خود را فدای اسلام و راه انقلاب نمودند.

همان‌طور که مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیانات خود فرمودند که شهید عزیز ما را به چشم یک مدرسه درس آموز، نگاه کنیم. در این کتاب خاطراتی از منش و مرام سردار شهید سلیمانی، در قالب بیست و یک عنوان درس با قلمی روان و جذاب برای نوجوان و جوانان نگاشته شده است. عناوینی نظیر: مردی که همه جا هست، رعایت حدود الهی و حق الناس، احترام به پدر و مادر، مردم‌داری و مردم‌یاری، مرد عمل و قوی‌ترین ژنرال خاورمیانه.

مطالعه این اثر ارزشمند مانند قدم زدن در مدرسه‌ای است که از هر کلاس آن می‌توان درسی از اخلاق، پایداری، شجاعت، مسلک و مرام سلیمانی را آموخت. باشد که

نوجوان عزیز این مرز و بوم با زوایای مختلف مکتب سلیمانی آشنا شده و با ادامه مسیر در این فرهنگ و تفکر ارزشمند، آینده‌ای با سعادت برای خود رقم زند. دوستان نوجوان عزیز، بیایید با هم پای کلاس درس مدرسه درس آموز حاج قاسم بنشینیم و درس اخلاق، ایمان و پایداری را از او بیاموزیم.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

جان مگوایر؛ افسر سابق سیا در مستند شبکه "بی بی سی دو" انگلیس «فرمانده سایه‌ها: مغز متفکر نظامی ایران»، مارس ۲۰۱۹ میلادی، درباره قاسم سلیمانی می‌گوید: «آن آدم رده پایینی که بیست و پنج سالش است و بدون جلیقه ضدگلوله دارد در یک گروه شبه نظامی می‌جنگد، چگونه ممکن است (انگیزه نگیرد) و عملکرد خوبی نداشته باشد وقتی می‌بیند رئیسش که هم سن پدر بزرگش است با یک پیراهن دارد در میدان جنگ و در میان شلیک گلوله‌ها قدم می‌زند. این کار یک پیام الهام بخش برای آن سرباز است که ترس در وجود این آدم وجود ندارد و ما هم باید همین گونه باشیم. من واقعاً اعتقاد دارم که افرادی مانند سلیمانی احساس می‌کنند دارند تقدیرشان را رقم می‌زنند و اگر هم کشته شدند، خب کشته شده‌اند. دیدگاه بسیار متفاوتی (نسبت به مثلاً ما آمریکایی‌ها) در این باره دارند و معتقدند که در حال انجام یک مأموریت (الهی) هستند.»



فصل نامه مدیریت جهادی شماره ۴ و ۵:

پرونده ویژه مکتب حاج قاسم

پدیدآور: جمعی از نویسندگان (هسته مدیریت جهادی مرکز رشد دانشگاه

امام صادق علیه السلام؛ ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام / تعداد صفحات: ۱۶۰



معمولاً نقطه عطف‌ها خودشان را در زمان خودشان آن چنان نشان نمی‌دهند. نقطه عطف‌ها ممکن است برجستگی‌هایی نسبت به بقیه وقایع و رویدادهای معاصرشان داشته باشند اما به جز در نگاه اهل نظر، شاید عمق و گستره تأثیرشان بر توده مردم روشن نباشد؛ به بیان بهتر، از آنچه که دیده می‌شوند به مراتب بزرگ‌ترند. اما در طول زمان و با نشست واقعه بر حیات فرد و اجتماع، این بزرگی و عظمت، خود را نشان می‌دهد.

واقعه شهادت سرباز فداکار و سرافراز اسلام حاج قاسم سلیمانی نیز از این دست روزها و رویدادها است؛ نقطه عطفی بزرگ است، نه فقط در تاریخ ما که در حرکت کلی عالم. البته زود است که همه زوایای اثرگذاری حاج قاسم و حیات و شهادتش درک شود، ولی آرام آرام مطابق سنت‌های قطعیه الهی این خون مطهر به ناحق ریخته، راهبری‌ها و راه‌گشایی‌ها می‌کند و عروة الوثقیای مستضعفین و مظلومین و آزادگان جهان خواهد شد.

این که حاج قاسم چگونه حاج قاسم شد، یک سؤال راحت و آسان نیست که زود از آن عبور کنیم؛ بلکه فهم آن، گره‌گشایی زیادی از حرکت بر صراط مستقیم می‌کند. پاسخ به این سؤال وقتی قیمتی تر شد که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی از این هیئت و حرکت به «مکتب حاج قاسم» تعبیر کردند؛ یعنی فراتر از زمان و مکان، و بالاتر از یک جریان، با تمسک به این مکتب می‌توان نقشه خوانی کرد و راه‌یابی نمود و سعادت فردی و اجتماعی را حاصل آورد. پس باید این مکتب را شناخت، نقطه یا نقاط ثقلش را فهمید، بر مؤلفه‌های ساختش دقیق

شد، مسیر حرکت و پیش روی را نقطه گذاری کرد، به آفات و آسیب های محتملش واقع شد و... تا بتوان مفید و نافع واقع شد.

نزدیک ترین مفهوم به مکتب حاج قاسم، مفهوم «مدیریت جهادی» است. در حقیقت فرماندهی مجاهدی چون حاج قاسم، بهترین نمودار، تبیین مدیریت جهادی و ارزش های محوری آن است. غور و تتبع در زندگی و مرام و مناسبات حاج قاسم و بهتر از آن در حیات و مماتش، بهترین روشنگرها در شناخت مفهوم گران بهای مدیریت جهادی است. از این رهگذر نشریه مدیریت جهادی به صورت ویژه، شناسائی ارکان و اجزای مکتب حاج قاسم را به عنوان یک برنامه و بخش محوری محسوب نموده و تلاش می کند با بضاعت اندک خود به تنویر و تبیین این مکتب فاخر و نجات بخش بپردازد. در این شماره برای فتح باب، بخش مفصلی از نوشته ها و گفتارها به این مهم اختصاص یافته است.

از جمله مطالب این شماره، ریشه های یک مکتب، دستاوردهای سبک پنجم، معناشناسی جهاد در قرآن کریم، جهاد، امام، مردم و مرد میدان جهاد است. برای رسیدن به پاسخ سؤالاتی نظیر، حاج قاسم که بود و چگونه به این منزلت رسید؟، کدام راه را پیمود؟، چه کرد و چه نکرد؟، معلم او که بود؟ این نشریه را مطالعه نمایید.

● در بخشی از این نشریه می‌خوانیم:

نقطه‌های صفر در مکتب حاج قاسم اگرپذیریم که حاج قاسم، یک مکتب است، تازه آغاز ماجراست. مکتب، اصول و قاعده دارد و به راحتی تمام نمی‌شود. مکتب را می‌شود توسعه داد و تسری بخشید، بر اساس مکتب، می‌شود تجویز کرد و اصلاح نمود. مکتب، هم نظام‌ساز است و هم انسان‌ساز... صفر یک؛ در مکتب حاج قاسم، «مبارزه» و «مجاهده» معنادار است چرا که «دشمن» واقعاً وجود دارد و «دشمنی» دائمی است و البته جدال حق و باطل همیشگی هست! «دشمنی» که حاج قاسم از آن سخن می‌گوید و با آن می‌جنگد فقط در میدان نظامی نیست در همه جا هست در همه جا! در میدان سیاست هست،... در میدان نظامی هم هست، همان جایی که شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به موقع و عمل به موقع را خطاب به برادران ارتشی گوشزد می‌کند، در میدان فقاقت و مرجعیت هم هست...

● در بخش دیگری از این نشریه می‌خوانیم:

مکتب حاج قاسم ذیل مکتب اسلام تعریف می‌شود. رعایت احکام شرعی در حد عالی، حساسیت به مسائل مالی در حد عالی و رعایت حدود اسلامی در حد یک مسلمان واقعی از ویژگی‌های برجسته یک مسلمان مکتبی است. «یک

خصوصیت دیگر این بود که هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود به کسی تعدی نشود، ظلم نشود، احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ او احتیاط می‌کرد. به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش از ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود. «آری به راستی که اسلام، مکتب انسان‌ساز است و سردار سلیمانی یک مسلمان است، مسلمان! حاج قاسم دوست داشتنی است و گاهی قهرمان‌ها هرچقدر دست‌نیافتنی‌تر باشند دوست‌داشتنی‌ترند. ولی قرار نیست حاج قاسم یک خاطره باشد در ذهن‌ها، یک افسانه باشد در کتاب‌ها، یک منجی باشد در فیلم‌ها، بلکه باید با حاج قاسم زندگی کرد.



تو ملن تقدیدم از کُشتن
که من تشنه زارم به خون فوشتن
گر پرزد خون من آن دوست رو
پای لوبان جان برافشانم براو
رقص و جوکان بر سر میدان کنند
رقص اندر خون خود مردان کنند
چون رهند از دست خود دستی زنند
چون بچهند از نقص خود رقصی کنند

آثار هنری



عقیق سلیمانی*

پدیدآور: جمعی از هنرمندان / ناشر: پیک سروش

تعداد صفحات: ۱۰۸



یک نقش بیش نیست نگین‌های ساده را
دارد هزار نکته‌ی موزون عقیق تو...
(صائب تبریزی)

«عقیق سلیمانی» نوعی سنگ گران بهاست که رگه‌هایی از رنگ‌های متنوع را در خود جای داده است...! خاکستری، آبی، سفید، سیاه، صورتی، زرد، سرخ و... درست شبیه حاج قاسم که آدم‌ها با رنگ‌ها و نژادها و سلیقه‌های مختلف دوستش داشتند و قطعاً این محبت از قلب او آغاز شده بود...

زبان هنر همواره گویای زیبایی‌ها و جلوه‌های بدیع و درخشان جهان هستی بوده؛ هنرمند می‌کوشد تا با نگاهی ویژه و متفاوت به جهان بنگرد و جزئیاتی را به نمایش بگذارد که سایر انسان‌ها کم‌تر موفق به درک و دریافت آن می‌شوند. «عقیق سلیمانی» مجموعه‌ای است برآمده از ذوق و هنر هنرمندان نقاش و گرافیست ایرانی، پیشکش به مقام ارزشمند شهید قاسم سلیمانی.

این بار رنگ‌ها و طرح‌ها به میدان آمدند تا جلوه‌هایی از شکوه قهرمان حماسه‌ساز ایران اسلامی را به نمایش بگذارند. این مجموعه که در قطع خستی و با صفحاتی تمام رنگی منتشر شده، گزیده‌ای از پوسترها و طرح‌های گرافیکی هنرمندان تجسمی است که با سبک‌های گوناگون و با محوریت شهید سردار سلیمانی تهیه شده. غالب

پوسترها و تصاویر از ایده‌هایی ناب و خلاقانه بهره برده‌اند، به گونه‌ای که برخی از طرح‌ها و نقش‌ها، بیننده را برای لحظاتی به فکر واهی دارد. در کنار موضوع محوری کتاب، که همان مقام با ارزش شهید سلیمانی است جلوه‌هایی از مقاومت، اقتدار، قدرت و توانمندی نظامی ایران سربلند نیز به نمایش درآمده است. کتاب در سه بخش اصلی پوستر، تصویرسازی و تایپوگرافی تنظیم شده که فصل نخست و اصلی آن به پوسترها اختصاص داده شده. تکنیک‌های به کار رفته در این آثار نیز متنوع است و از سبک‌های مدرن تا کلاسیک هنر گرافیک و تصویرسازی را در بر می‌گیرد.

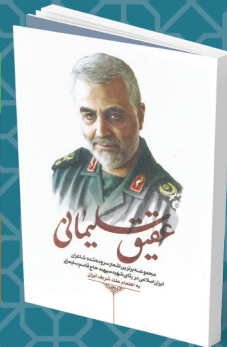
نمونه‌ای از آثار هنری گزینش شده در کتاب:





عقیق سلیمانی*؛ مجموعه برترین اشعار سروده شده شاعران ایران اسلامی در رثای شهید سپهبد قاسم سلیمانی

پدیدآور: مجموعه شاعران / ناشر: پیک سروش
تعداد صفحات: ۲۸۸



ما زیبایی و خالق آن را با هر زبان و بیانی ستایش می‌کنیم و شعر که شیدایی
واژه‌هاست برای بیان زیبایی و عشق، زبانی گیرا و اعجاز‌آور است.
عقیق سلیمانی سنگی است گران‌بها، که رنگ غالب آن سرخ است، به رنگ
شهادت، و شفاف و پاک و زلال است، هم چون قلب مؤمن. این سنگ نمادی است
از عشق، شهادت، مقاومت و برکتی که با مرارت و سخت‌کوشی از دل سنگ‌های
سخت کوه و بیابان به دست می‌آید.

این کتاب مجموعه‌ای است از شعر شاعران معاصر، با موضوع سردار عشق و
ایشان شهید قاسم سلیمانی. این مجموعه که به گفته ناشر به اهتمام ملت شریف
ایران تهیه شده برترین اشعار سروده شده شاعران ایران اسلامی است در رثای
سیدالشهدای زمان ما.

شعرهای این مجموعه در چند بخش اصلی و با سبک‌های کلاسیک، رباعی،
دویتی و تک‌بیت، سپید و نیمایی و سرانجام ترانه سروده شده و از شاعران نام
آشنایی چون یوسفعلی میرشکاک، سیدحمیدرضا برقعی، محمدحسین ملکیان و
... تا شاعرانی که شاید نامشان کم‌تر به گوش خورده باشد تشکیل شده است.
این دفتر دریچه‌ای است به روی صبح و جویباری است به سوی خورشید، که روانه
به سمت نور و با آهنگی گوش‌نواز و شنیدنی ترانه عشق به محبوب را زمزمه می‌کند
و دلتنگی‌های ناب عارفانه‌ای را در دوری از حبیب سرمی‌دهد.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

دیدند در او غیرت ایرانی هست
در عشق علی خلوصِ سلمانی هست
با دیدن انگشتیِ او گفتیم
او نیست و خاتم سلیمانی هست

استاد حاج علی انسانی

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

نیست بر روی دلم داغی از این سنگین‌تر
کرده پیشانی ما را غم تو پرچین‌تر...
ای به قربان تو و صاحب نامت، قاسم
بوده این مرگ برایت ز غسل شیرین‌تر

فرهاد موحدی



سلیمان عشق؛

عرض ارادت شاعرانه به سرباز شهید قاسم سلیمانی

گردآوری: قاسم صرافان، سید محمد جواد شرافت

ناشر: مؤسسه نشر شهر / تعداد صفحات: ۱۳۲



گاهی مضمون شعر آسمانی است و در افلاک سیر می‌کند، آنگاه باید با نگاهی شهودی به آن نگریم؛ آن‌جا که معنای شعر تا بیکرانه‌ها وسعت دارد و مرزهای عشق و حماسه را در می‌نوردد. «سلیمان عشق» بوستانی است از گل‌های آسمانی که با خیال و تصور شاعرانه و با حقیقتی ناب پرورده شده است.

شعرهای این مجموعه بر آن است تا حماسه سردار سلیمانی را آینه‌داری کند. این شعرها می‌دانند که همان اندازه که شعر نام حماسه را زنده می‌دارد، حماسه نیز به شعر نام و زندگی می‌بخشد و آنگاه که این دو مورد که همسانند و همسودریک نقطه همدیگر را ملاقات می‌کنند آن اتفاق مهم و درخشان می‌افتد.

کتاب سلیمان عشق حاوی ۷۰ اثر برگزیده شاعران نامی کشور از جمله افشین اعلا، حاج علی انسانی، مرتضی امیری اسفندقه، احمد بابایی، سید حمید برقی، سعید بیابانکی، قاسم صرافان، علیرضا قزوه، قربان ولیئی، فاطمه عارف‌نژاد، نغمه مستشار نظامی و... است که به همت خانه شعر و ادبیات از میان ۷۰۰ شعر سروده شده در شورای حاج قاسم سلیمانی انتخاب شده است.

شعرهای این مجموعه از میان بهترین شعرهای سروده شده درباره سردار شهید قاسم سلیمانی گلچین شده؛ هم‌نشینی کلمه و معنا در این شعرها و هم‌صدایی شعر و حماسه، تصویر روشنی از قهرمانی‌ها و جوانمردی سردار عشق و راستی را به نمایش می‌گذارد.

● در جایی از کتاب به نقل سید محمدامین جعفری حسینی می خوانیم:

این دست تونیست، پرچم عزت ماست
او جلوه روشن مسلمانی ماست
آوازه اقتدار ایرانی ماست
انگشتر خونی به جا مانده او
دانشکده علوم انسانی ماست
این دست تو استعاره از بیعت ماست
انگیزه عاشقانه وحدت ماست
تاریخ، پیام آخرت را فهمید
این دست تونیست، پرچم عزت ماست

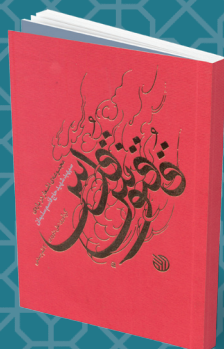


ققنوس قدس*

مجموعه اشعاری درباره سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی

پدیدآوران: علی داوودی، کاظم رستمی / ناشر: خط مقدم

تعداد صفحات: ۱۳۴



ققنوس قدس مجموعه اشعاریست که شعرای ایران زمین در رسای شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی سروده‌اند، شعرایی نظیر: حسین مؤدب، سعید بیابانکی، مهدی جهاندار، سیده فرشته حسینی، احمد بابایی، محمد مهدی سیار، قاسم صرافان، علی محمد مؤدب، نغمه مستشار نظامی، علی معلم، علی موسوی گرمارودی، علیرضا قزوه، میلاد عرفان‌پور، کاظم رستمی و... به گفته یکی از پدیدآوران این اثر کارگردآوری این مجموعه از همان سحرشهادت حاج قاسم آغاز شده و این اثر در میان اشک و آه گردآوری شده است. ضمن این که در گزینش اشعار نیز سخت‌گیری و دقت فراوانی انجام شده تا ناب‌ترین و اثرگذارترین اشعار باقی بمانند، به طوری که حجم آثار اولیه برای انتشار حدود ۴ برابر حجم فعلی بوده است و با حذف‌های مکرر در نهایت به این مجموعه رسیده‌اند.

● قسمتی از شعر احمد بابایی در این مجموعه:

چه بگویم به چه حالی یل ما را کشتند
قبله باقی ست فقط قبله نما را کشتند...
قبله باقیست، خدا هست، بگو با صهیون
صد چنین قبله نما هست بگو با صهیون

عاقبت مسح جنون، خون به پروبال کشید
روضه قاسم ما نیز به گودال کشید

● قسمتی از شعر احمد علوی در این مجموعه:

آرزوی موج، چیزی نیست جز فانی شدن
هست این فانی شدن، آغاز عرفانی شدن
موج، کی یکجا نشستن را تحمل می‌کند
عشقی اقیانوس آرام است توفانی شدن...
در وصیت نامه‌ی پروانه‌ها آورده‌اند
مرگ یعنی صاحب یک عمر طولانی شدن
ما کجا و آرزوی مرگ سرخی مثل او
ما کجا و تاری از موی سلیمانی شدن
میزبان وقتی حسین بن علی علیه السلام شد، واجب است
این چنین آماده‌ی رفتن به مهمانی شدن



به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند
به چشم ادب و احترام بنمایید

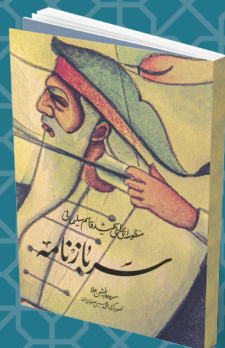
کودک و نوجوان



سربازنامه*

پدیدآور: افشین علا / ناشر: مکتب حاج قاسم

تعداد صفحات: ۴۸



«سربازنامه» منظومه‌ای است حماسی، ملی و آیینی. تلفیقی از اسلوب متون منظوم فارسی پیرامون افسانه‌ها و اساطیر باستان و آموزه‌های دینی و انقلابی امروز ایران زمین.

با این تفاوت که روایت این منظومه، نه بازنویسی افسانه‌های دوردست و کهن است و نه قهرمان آن، اسطوره‌ای خیالی. داستان سربازنامه، صرف نظر از آرایه‌ها و استعاره‌های شاعرانه، روایتی مستند و واقعی از حماسه‌هایی است که در سال‌های اخیر، پیش چشم ایرانیان و جهانیان به وقوع پیوسته. قهرمان آن نیز سردار عاشق و مجاهدی است که پاره تن ایرانیان این روزگار و نماد اقتدار و امنیت این آب و خاک بود.

شهید جاودانه‌ای که به دلیل مبارزه بی‌امان با دشمنان سفاک بشریت، نه فقط نزد ایرانیان محبوبیتی بی‌نظیر داشت، که پشت و پناه ملت‌های مظلوم منطقه بود.

این منظومه، یکی از آن بسیار است که با بهره‌گیری از تمثیلی اسطوره‌ای، توانست میان تخیل و واقعیت پلی بزند. شاعر انقلاب، افشین علا، در این مثنوی بلند، هم به حماسه‌های کهن ایرانیان اشاره می‌کند و هم به شکل‌گیری نهضت اسلامی ۵۷ و سال‌های دفاع مقدس گریزی می‌زند. آن‌گاه به ترسیم شاعرانه‌ای از وضعیت سال‌های اخیر ایران و منطقه می‌پردازد و صف‌آرایی جبهه حق و باطل

را به تصویر می‌کشد و پس از این مقدمه به سراغ قهرمان اصلی روایت خویش یعنی قاسم سلیمانی می‌رود و شرح حالات عارفانه و مجاهدت‌های عاشقانه او را به نظم می‌کشد. اما آنجا که این حماسه غرور آفرین به شهادت ناجوانمردانه قهرمان روایت می‌رسد، همچون عزیز از کف دادگان، نوحه سر می‌دهد و با بهره‌گیری از ظرایف احساسات شاعران و مضامین باریک‌بینانه و استعاری، عظمت غم فقدان آن سرباز وطن را به یادها می‌آورد و خواندن این اثر حماسی را با چاشنی خون دل و آب دیده در هم می‌آمیزد. هر چند پس از این نوحه سرایی جان‌گداز باز همنوا با ملت قهرمان ایران از امید می‌گوید و خبر از فردای روشنی می‌دهد که فرجام ناگزیر نبرد حق و باطل است.

● **رهبر معظم انقلاب حفظه الله در خصوص این اثر چنین بیان داشته‌اند:**
«زیبا و شیوا و خوش لفظ و معنا سروده شده است. منظومه ماندگاری خواهد شد ان شاء الله. این قریحه و این توفیق را به آقای افشین علانبریک می‌گوییم.»

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

انداخت عدو به رسم نامردان
تیری ولی نه به رزم در میدان
افکند شرر به دامن پاکش
شد چون گل سرخ جسم صد چاکش
افتاد کمان آرشی دیگر
در آتش کین، سیاوشی دیگر
از پاننشست تا که جانش بود
تا تیر امید در کمانش بود
در معرکه ماند و جان فشانی کرد
تا شوکت فارس را جهانی کرد
در غربت اگر چه جان به جانان داد
جام جم دیگری به ایران داد
ققنوس وطن به شعله چون تن داد
خاکستر خویش را به میهن داد
عنقا شد و برگ و آشیانش سوخت
در آتش اشتیاق جانش سوخت

خصم از همه سوبه جستجویش بود
غافل که شهادت آرزویش بود
در رزم نداشت چون هموردی
شد کشته ولی به ناجوانمردی
شیری که شرر به خصم کافرزد
کفتار به اوز پشت، خنجرزد
زد لکه ننگ، خود به پیشانی
با کشتن قاسم سلیمانی



شهید سلیمانی

پدیدآور: مجید ملا محمدی / ناشر: مدرسه

تعداد صفحات: ۱۴۸



در این اثر که به صورت ویژه برای قشر نوجوان نگاشته شده، نویسنده با قلمی جذاب و داستانی، مهم‌ترین فرازهای زندگی حاج قاسم سلیمانی را برای مخاطب خود ترسیم کرده است. همچنین در کنار خاطراتی که از حیث تاریخی دارای اهمیت ویژه هستند، خاطرات مهمی نیز در این اثر نقل شده که نوجوان را با ابعاد مختلف شخصیت و صفات متعالی حاج قاسم بیشتر آشنا می‌کند.

مجید ملا محمدی نویسنده صاحب قلم این اثر که خود برنده جوایز معتبر متعددی شده است، در نگارش این اثر هم هنرنویسندگی خود را به کار برده تا اثری جذاب خلق کند و هم پژوهش مناسبی برای گزینش مطالب درباره حاج قاسم انجام داده تا در کنار لذت، برای مخاطبین نوجوان، ارمغانی معنوی، اخلاقی و درس آموز داشته باشد.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

داعش داشت به دروازه‌های شهر اربیل نزدیک می‌شد. مسعود بارزانی - رئیس اقلیم کردستان عراق - از کشورهای آمریکا، ترکیه، انگلیس و فرانسه کمک خواست. آنها به کمکش نیامدند. با ایران تماس گرفت و گفت: «اگر نمی‌توانید کمک کنید ما شهر را تخلیه کنیم!»

قرار شد با سردار سلیمانی صحبت کند. فوری با سردار تماس گرفت و اوضاع شهر

و اطراف آن و حمله داعش را برای او توضیح داد. سردار گفت: «من فردا صبح اربیل هستم.»

فردا صبح، سردار و گروهی از یارانش با هواپیما وارد اربیل شدند. بارزانی به استقبال آنها رفت. سردار نیروهای پیش مرگه کُرد را سازماندهی کرد و نقشه مقابله با داعش را به اجرا درآورد. خیلی زود داعش شکست خورد و فراری شد. اربیل هم نجات یافت. کمی بعد کُردها یک فرمانده داعشی را اسیر کردند. از او پرسیدند: «چه شد که شما در حمله به اربیل ناگهان عقب نشستید و پا به فرار گذاشتید؟»

فرمانده داعش پاسخ داد: «نفوذی‌های ما در اربیل به ما پیغام دادند که قاسم سلیمانی به اربیل آمده است. این بود که افراد ما روحیه خود را از دست دادند و اوضاع ما به هم ریخت.»



عمو قاسم *

پدیدآور: محمدعلی جابری / ناشر: کتابک
تعداد صفحات: ۴۸

کتابی برای کودکان که در عین داشتن ادبیات ساده و روان و تصاویر جذاب و شورانگیز، پیام‌های عمیقی را با ظرافت به مخاطبان خود ارائه داده. در بخشی از مقدمه، با عنوان برای شروع، پس از آنکه نویسنده به کودکان این سرزمین می‌گوید که همه بزرگترها بعد از شهادت حاج قاسم گفتند: ما همه قاسم سلیمانی هستیم و بچه‌ها هم آرزو کردند که روزی سردار سلیمانی بشوند از مخاطب کم‌سن و سال خود می‌پرسد: «... به نظرتان اگر همه بخواهند مثل حاج قاسم، افسر نظامی شوند و بروند با دشمن بجنگند تکلیف زندگیمان چه می‌شود؟!... چه کسی کشاورزی کند، چه کسی به دانش‌آموزان درس بدهد، چه کسی... و خلاصه سردار سلیمانی شدن یعنی چه؟!»

در این مجموعه بیش از ۲۰ خاطره و ماجرای بسیار زیبا و درس‌آموز از زندگی حاج قاسم که برای کودکان نیز قابل فهم و دلنشین است، با متن و تصاویر جذاب نقل شده. اگر کسی دغدغه داشته باشد که برای کودک یا نوجوانی یک اثر زیبا و البته آموزنده از حاج قاسم بخواند، این کتاب یک گزینه بسیار مناسب است.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

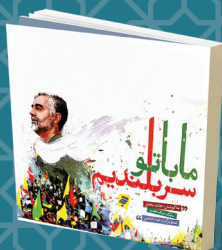
وقتی سردار سلیمانی، نوجوان بود با پسرخاله اش احمد، پول هایشان را روی هم گذاشتند و یک ساعت کوکی برای برادرش سهراب خریدند. سهراب با دیدن ساعت خیلی خوشحال شد. او همین جور ساعت را کوک می کرد و با شنیدن صدای زنگ آن لذت می برد. قاسم که ذوق کردن برادرش را دید، به او گفت: «اگر روی ساعت پنج کوکش کنی و بلند بشوی، ساعتت خراب نمی شود.» سهراب هم حرف برادر بزرگترش را قبول کرد. او ساعتش را روی ساعت پنج صبح کوک کرد. هر روز صبح که ساعت زنگ می زد، قاسم به سهراب می گفت: «حالا که بیدار شدی، نماز صبحت را هم بخوان.»



* ماباتو سربلندیم

به کوشش: حامد محقق، بابک نیک طلب / ناشر: به نشر

تعداد صفحات: ۴۰



این اثر مجموعه اشعاری است در رثای حاج قاسم سلیمانی که به کوشش حامد محقق و بابک نیک طلب برای مخاطبان کودک و نوجوان گردآوری شده. واژه‌ها و کلمات به کار رفته در شعرهای این مجموعه، در پیوندی ناگسستنی با مفاهیم عمیق اخلاقی و انسانی و با ترکیبی هماهنگ و متناسب با موضوع، تصویر روشنی از حاج قاسم را به نمایش می‌گذارد. تصاویر زیبا و تمام رنگی این کتاب نیز بیانگر برخی از صفات حاج قاسم نظیر: ایمان، شجاعت، عشق به وطن و رشادت‌های این مرد بی پایان است.

برخی از اشعار این مجموعه را «کیهان بچه‌ها» نیز به شکل سرود پخش کرده است. به گفته یکی از پدیدآوران این اثر، تلاش شده تا در حد بضاعت و با ظرافت در مضمون، برخی از اشعار این مجموعه به مخاطب نشان داده شود که شهادت حاج قاسم در ادامه و امتداد راهی است که شهدای کربلا طی نمودند. وطن دوستی و شهادت در راه اعتقاد و امنیت میهن، از دیگر مضامین گنجانده شده در اشعار این مجموعه است.

● در بخشی از کتاب می خوانیم:

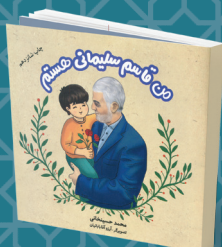
رسم خوبی:
آسمان صدایت زد
پرگشودی و رفتی
در کویر آدم‌ها
چشمه بودی و رفتی
راه و رسم خوبی را
آدمی بنا کردی
هر چه رنگ دنیا داشت
از دلت جدا کردی
مرز میهنم با تو
استوار و محکم شد
از هوا و از خاکم
شر دشمنان کم شد
غصه دار و ابری شد
با شهادت ایران
قاسم سلیمانی
مرد بیشه شیران



من قاسم سلیمانی هستم

پدیدآور: محمد حسین خانی / ناشر: حاج قاسم

تعداد صفحات: ۲۰



جنایت آمریکایی‌ها همه را به خشم آورده بود، حتی کودکان زیادی با شهادت حاج قاسم سلیمانی غمگین شدند و بی تردید آنان که آینده سازان این کشور هستند، این جنایت را فراموش نخواهند کرد. به همین دلیل نویسندگان و اهالی هنر و قلم به زیبایی و بسیار جذاب آثار متعدد و متنوعی را به چاپ رسانده‌اند تا کودکان و نوجوانان با شخصیت حاج قاسم سلیمانی بهتر آشنا شوند.

کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» یکی از کارهای ارزنده‌ای است که روایت مراحل مختلف زندگی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی از تولد تا شهادت را برای آینده‌سازان این مرز و بوم روایت می‌کند.

این کتاب به قلم هم‌رمز، هم‌کار، دوست و هم‌شهری شهید سلیمانی نوشته شده و با تصاویر بسیار زیبا، گویا و واضح به روایت گوشه‌هایی از زندگی مجاهدانه این سردار شجاع می‌پردازد.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

روزی که به مراسم یادبودش رفتیم؛ پس از مراسم، سوار خودرو شدیم تا به خانه برگردیم. پدرم از شهادت فرمانده‌اش خیلی ناراحت بود. او گریه کرده بود، چشم‌هایش قرمز بود؛ مادرم هم گریه کرده بود. خواهر کوچکم زهرا گفت: «حاج قاسم کی بود؟ همه از او خیلی تعریف می‌کردند.»

پدرم گفت: «حاج قاسم مرد بزرگی بود! او در شهرستان رائر، یعنی همین شهر خودمان به دنیا آمد؛ در همین طبیعت سرسبز بزرگ شد و در برف و سرمای همین شهر به مدرسه رفت. او قدرتش را از کوه‌های بلند این دور و بر گرفته بود. روستایشان در چهار کیلومتری اینجا است.»

خواهرم زهرا به من نگاه کرد و گفت: «برویم...؟»

گفتم: «برویم...»

هر دو با هم گفتیم: «بابا! می‌شود به روستایشان برویم؟»

مادرم گفت: «من هم دوست دارم یادی از روزهای کودکی‌ام بکنم.»

پدرم فرمان خودرو را پیچاند. دور زد و گفت: «چرا که نه...»



من یک حاج قاسم

پدیدآور: مجتبی کرمی / ناشر: حاج قاسم

تعداد صفحات: ۲۰



از آنجا که کودکان نیز در حد فهم خود و با تأثیر از خانواده، مدرسه و جامعه، صفات ارزشمندی هم چون شجاعت، دلاوری، قدرت، علم، اخلاق، فداکاری و ... را درک می کنند، با شاخص قرار دادن افراد دارای این صفات به الگوبرداری از او می پردازند. انسان ها به قهرمان ها علاقه ویژه ای دارند و به تناسب فرهنگ و بلیغ فکری جامعه ای که در آن زندگی می کنند شاخصه های قهرمانی متفاوتی دارند اما اشتراکات زیادی نیز در این زمینه وجود دارد. سردار سلیمانی با توجه به شاخصه های قهرمانی فرهنگ و آیین کشور ما، یک قهرمان واقعی است که برای کودک و بزرگسال الگو و معیاری شاخص محسوب می شود. گاهی آوازه برخی قهرمانی ها، مرزهای یک کشور را هم در می نوردد و تا سرزمین های دور نیز می رود. «من یک حاج قاسم» عنوان کتاب شعری است تصویری که برای کودکان نوشته شده است. کلمات در این کتاب با نظمی زیبا و آهنگی دلنشین در کنار هم آمده اند تا پیام های آشنایی را به کودکان برسانند. رنگ های زنده و چشم نواز نقاشی ها همراه با شعرهای رنگین و زیبایی که با الهام از حاج قاسم سروده شده کودکان را با مفاهیمی هم چون فداکاری، وطن، شهادت و مهربانی آشنا می کند. در جای جای کتاب نیز نشانه هایی از شهید سلیمانی دیده می شود که با

توجه به فضای لطیف و کودکانه با هماهنگی مثال زدنی و متناسب با شعرها خودنمایی می‌کند.

● در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

عکسِ توتاچه انگار
حرفایی داره با من
منم می‌خوام مثلِ اون
برم به جنگِ دشمن
می‌گم: بابا! چه جوری
می‌شه قوی تر بشم؟
تا شبیه حاج قاسم
حافظِ کشور بشم؟
بابا می‌گه گوش بده
برات بگم یه رازی
تو با تلاش و کوشش
کشورتو می‌سازی

درسته حاج قاسم رو
گرفته دشمن از ما
امید کشور امروز
هستین شما بچه‌ها

● در بخش دیگری از کتاب می‌خوانیم:

دیدي که از چشامون بارون غم می‌باره
اومده بودیم بگیم راحت ادامه داره
درسته که خالیه جات توی کشور ما
اما تورو می‌شناسن حالا تموم دنیا



والله والله والله از محمدين شئون عاقبت به فیری،
رابطه قلبی و دلی و صقی ما بالین صلیبی است که
امروز سعاد انقلاب را به دست دارد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران